

مالیات

فصلنامه مالیاتی

دوره دوم، شماره دوم، پائیز ۱۳۷۶

(شماره مسلسل ۱۷)

صاحب امتیاز: دانشکده امور اقتصادی

مدیر مستوی: دکتر علی اکبر عرب مازار

زیر نظر هیأت تحریریه

امور مالی: بهرام گرایلی افرا

لیتوگرافی، چاپ و صفحافی:

چایخانه بهمن - خیابان ری، استگاه

آیشان، شماره ۱۸۵

خواهشمند است مقالات خود را با برنامه

کامپیوتری زرینگار تایپ نموده و دیستکت

(فلایپ) آن را به دفتر مجله تحويل فرمانید.

مطلوب مدرج در مجله الزاماً میبن رأی و

تفتر مسفلان آن نیست. مجله در ویرایش

و حذف مقالات آزاد است.

مطلوب رسیده بازگردانیده نمی شود.

دفتر مجله مالیات: دانشکده امور اقتصادی شماره ۱۵۳،

خیابان طالقانی، بین حافظ و ولی عصر،

کد پستی: ۱۵۹۱۸، تهران.

صندوق پستی: ۱۱۱۱ - ۱۵۸۷۵، تهران.

فاکس: ۶۴۱۹۷۱۶، تلفن: ۶۴۶۴۵۱۸

مالیات

شماره مسلسل ۱۷، پائیز ۷۶

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

فهرست مطالب:

دکتر علی اکبر عرب مازار ۲

سرآغاز

دکتر محمود مکیزاده ۳

مالیاتی مناسب بر مصرف،

جنبه‌های مالیاتی معاملات بین‌المللی دکتر علی اکبر عرب مازار ۱۵

مالیاتی مناسب برای ایران

درآمد حقوقی ایام مرخصی استفاده نشده محمد حسین سید زمانی ۲۲

اینترنت و آثار آن در

معرفی کتاب ۲۴

مالیاتی اجراء بهای املاک کوچک

فاطمه عبداللهی ۲۶

و اتلاف نامتناسب امکانات

شکوانیه‌ای از دوران قاجار پیرامون یک حواله مالیاتی ۲۸

قوانین مالیاتی

حسین ورزکاری مقدم ۳۰

و خریداران املاک با استناد عادی

مالیات نقل و انتقال را غلط تنوییم ۳۲

مهندس مهران سمسار

شرکت‌های کم سرمایه ۳۳

چایگاه اجتماعی مالیات

عبدالرضا شفیعی ۳۵

خبرهای مالیاتی

هزار دستان مالیاتی روس ۳۸

قوانین، تصویب‌نامه‌ها، و بخشنامه‌های مالیاتی، و آراء

هیأت‌های عمومی شورای عالی مالیاتی و دیوان عدالت اداری ۴۰

بخش انگلیسی

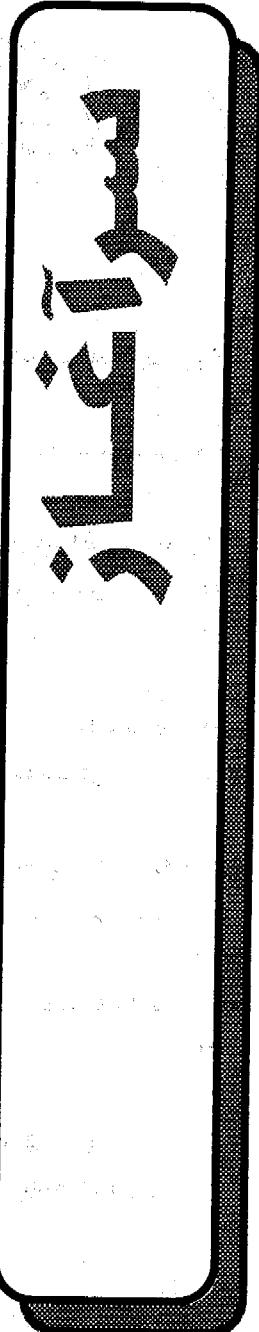
۱

۱

به نام خدا

پرداختن به مسائل و مشکلات روزمره، ممکن است آدمی را از تفکر پیرامون آینده و تدارک زمینه جهت مقابله با اوضاع و احوالی که برای فردا قابل پیش‌بینی است، باز دارد. جوامع انسانی نیز همانند افراد ممکن است به چنین وضعی دچار آیند و فقط به زمان حال و ابتلاءات آن بیاندیشند و آینده را چنان جذی تلقی نکنند. این گونه برخورد با قضایا در زمینه امر مالیاتی نیز می‌تواند مصدق پیدا کند، به این معنی که تمام یا بخش اعظم توان برنامه‌ریزی سازمان مالیاتی متوجه زفع موافع فعلی و رسیدن به مبالغ وصولی پیش‌بینی شده در بودجه گردد و تفکر در باب آینده به آیندگان واگذار شود. شکل دیگر کار این است که تدوین برنامه برای آینده محدود به پیش‌بینی ارقام وصولی بر مبنای نیازهای مالی چند سال آتی دولت شود، یعنی علاوه بر بودجه سالانه یک بودجه کلی تر چند ساله نیز تنظیم شود که در آن رقم و عدد نقش اساسی را بازی می‌کند. چنان کاری را نیز می‌توان اندیشه به حال فردا و به اصطلاح آینده نگری دانست. اما بحث ما از این حد که معمول به تنظیم کنندگان برنامه‌های چند ساله است، فراتر می‌رود. پیش‌بینی ارقام مالیاتی قابل وصول برای یک یا چند سال آتی کاری است بلا تردید لازم و کسی را انکاری نرباید آن نیست. اما از این حد که تنها عدد و رقم و قالب را در بردارد، باید فراتر رفت و به محتوی و ماهیت مالیات‌ها پرداخت، که به مفهوم برنامه‌ریزی یا توجه به مجموعه عوامل مؤثر در امر مالیاتی می‌باشد.

به عبارت بهتر باید دید دید سناریوی پیش‌بینی چشم ما که مالیه چی امروزی در چارچوب آن به ایفاء نقش می‌پردازد، فردای اندکی دورتر چه منظر و چه آرایه‌ای خواهد داشت، تا بکوشید استعداد و توان لازم را برای ادامه کار خود در آن صحنه متتحول شده پیدا کند. طبیعی است که این کار ساده‌ای نیست و به مراتب پیچیده‌تر از



پیش‌بینی چند رقم معین است که غالباً تکلیف کار هم تا حدود زیادی روشن بوده و گریزی از ارائه ارقامی مناسب با مجموع هزینه‌های کشوری نمی‌باشد.

آینده‌نگری در باب امر مالیاتی به معنایی که مورد نظر ما است مستلزم آن است که در درجه اول آینده وضع اقتصادی و تحولاتی که ممکن است در عناصر عدده تشکیل دهنده آن حادث شود، برای مدتی حدود یک دهه پیش‌بینی گردد که بدینه است در این کار باید توجه عده بر جنبه مالیاتی قضایا متصرکز شود. شکل دادوستد و فعل و انفعالات اقتصادی در جهت چه تغییراتی سیر می‌کند و چه پدیده‌های تازه‌ای در این صحت قابل پیش‌بینی است؟ این پرسش کلی طبعاً می‌تواند اجزاء بسیار متعددی را در برگیرد که از تحول در سلیقه‌های فردی و گروهی مصرف کنندگان گرفته تا دگرگونی‌های تجارت خارجی، رشد جمعیت، درآمدهای ارزی، تناسب رشد بین بخش‌های مختلف اقتصادی، پیشرفت علوم و تکنولوژی و بسیاری مسائل و مقولات دیگر را شامل می‌شود. پرداختن به جزئیات چنین مسائلی طبعاً از حوصله این سرمهقاله مختصر خارج خواهدبود.

در صورتی که چنین گام مهم، و طبعاً توام با دشواری‌ها و مستلزم همت بسیار، برداشته شود آنگاه مسأله برنامه‌ریزی برای رویاروئی با اوضاع و احوال جدید به میان می‌آید که خود زمینه کار گسترشده‌ای است و مجموع شکل و ماهیت و تشکیلات و تکنیک کار مالیاتی را فرا می‌گیرد. متناسب ساختن قوانین و مقررات مالیاتی به نحوی که انواع منابع مالیاتی را با تکیه و تأکیدی که در خور اهمیت نسبی هر یک از آنها است، در برگیرد، و نزخها و ضرایب و مقولات مشابه نیز ضمن آن مورد اصلاح مناسب واقع شود، از جمله این اقدامات است. نیازی به گفتن نیست که همزمان چه از حیث مقررات و چه در میدان عمل هر گونه تغییر و اصلاح لازم در کم و کیف سازمان مالیاتی و رفتار آن نیز باید منظور شود.

نحوه برخورد دیگر با آینده‌نگری مورد بحث پرداختن به تحولات قابل پیش‌بینی معین در زمینه‌های خاص است، که هر چند جای چنان بررسی جامع و همه جانبه‌ای را نمی‌گیرد، اما در حد خود می‌تواند کار سودمندی باشد. هم اکنون اندیشمندان این رشتہ انواع برزسی‌های از این‌گونه را در زمینه‌های مختلف آغاز کرده و به استقبال ستاریوی مالیاتی قرن بیست و یکم رفته‌اند. نمونه‌ای از این کار در صفحات بعدی همین شماره مجله مالیات منعکس است که در حد خود اهتمام جهانی نسبت به این جنبه از امر مالیاتی را بیان می‌دارد.

علی اکبر عرب مازار

مالیات پر مصرف

مالیاتی مناسب برای ایران

دکتر محمود مکی‌زاده

هزینه‌ها از طریق درآمدهای عمومی صورت می‌گیرد، زیرا فعالیت‌های دولت همانند فعالیت‌های دیگر، مستلزم مخارج و هزینه‌هایی است. دولت برای پرداخت مخارج خود باید درآمدهایی داشته باشد. این درآمدها بخشی از درآمد ملی را تشکیل می‌دهد که در بدو امر در دست مردم است لکن دولت به طرق مختلف بخشی از آن را تأمین و برای مخارج خود مورد استفاده فرار می‌دهد. در مقابل مردم وظایفی را به عهده دولت محول می‌کنند. چنان که تاریخ عقاید اقتصادی نشان می‌دهد این افکار و عقاید در قرن حاضر پیوسته در تغییر و تحول بوده و تئوری‌های جدید به منصه ظهور رسیده است. وظیفه دولت‌ها در سیستم‌های مختلف اقتصادی و رژیم‌های سیاسی متفاوت است:

۱. در سیستم اقتصادی مبتنی بر اصل آزادی

افزایش روزافزون حوائی مالی دولت‌ها پس از جنگ جهانی اول باعث توسعه اقتصاد عمومی گردیده است، به‌نحوی که امروزه در محدوده فعالیت‌های مالی و اقتصادی دولت یک سیستم اقتصاد عمومی در مقابل سیستم اقتصاد خصوصی ظاهر گردیده است. محاسبات مالی در زمینه اقتصاد عمومی باید با توجه به اقتصاد خصوصی و سیر تحول آن صورت گیرد، و گرنه عدم هماهنگی بین دو سیستم اقتصاد بخش خصوصی و اقتصاد بخش عمومی ممکن است اقتصاد کلی کشور را بچار اختلال و اشکال گرداند.

دولت برای اجرای برنامه‌های خود که منبع از حوائی عمومی است هزینه‌هایی دارد. تأمین این

طرح کلی مالیات بر فروش

مالیات بر فروش نوعی مالیات بر کالاهای مصرفی است که سابقه تاریخی چندین هزارساله دارد. در کشورهای کهن از قبیل مصر، چین، هند و یونان این مالیات وجود داشته که برای چندین صد سال به دست فراموشی سپرده شده بود. بعد از جنگ جهانی اول این نوع مالیات مجدداً احیا شد و پس از جنگ بین الملل دوم نیز متداور از سی کشور به آن روی آوردند. علت پذیرش این نوع مالیات از طرف کشورهای جهان، بهره‌وری و سهل الوصول بودن آن است. برای کشورهایی که با هزینه‌های روزافزون روبرو هستند، مخصوصاً کشورهای در حال توسعه، این مالیات بسیار بالاهمیت و مناسب است. در اهمیت این مالیات همین قدر بس که در کشور شوروی سابق حدود ۷۰٪/ درآمدهای دولت از طریق مالیات بر فروش به دست می‌آمد. این رقم مربوط به قبل از جنگ جهانی دوم است. پس از جنگ بین الملل دوم رقم مذکور به ۶٪/ تخفیف یافت. در کشورهای آلمان و فرانسه این نوع مالیات ۴۰٪/ از درآمد این دو کشور را تشکیل می‌دهد. کشور ایتالیا ۲۴٪/ از بودجه خود را از این طریق تأمین می‌کند. در کشور آمریکا فقط در سالهای ۱۹۸۰ بیش از ۵۰ میلیارد دلار از طریق مالیات بر فروش وصول شمودند. در کشور انگلیس یکی از مهمترین منابع درآمد دولت این نوع مالیات محسوب می‌شود. در هندوستان این مالیات منحصر به مالیات ایالت‌هایی است که اکثر هزینه‌های خود را از طریق آن تأمین می‌کنند.

دادوستد، وظایف دولت یکنواخت نبوده و برحسب زمان و مکان تغییر کرده است.

۲. در سیستم لیبرال وظایف دولت از حدود مسائل مربوط به نظم عمومی و برقراری امنیت تجاوز نکرده و در نتیجه اختیارات مالی دولت بسیار محدود بوده و هزینه‌های عمومی اغلب با وصول مالیات و درآمدهای خالصه تأمین می‌شود.

۳. در اقتصاد ارشادی دخالت دولت در امور اقتصادی وظائفی از لحاظ اجتماعی بر عهده دولت محل می‌کند. اجرای آن وظایف مختصمن مخارج سنگینی است که دستگاه مالی باید متحمل گردد. اقتصاد دولت جمهوری اسلامی ایران هم نوعی اقتصاد ارشادی است که پیرو قوانین اسلامی است. در قوانین اسلام چندین گونه مالیات وجود دارد که بعضی از آنها مالیات مستقیم هستند و بعضی غیرمستقیم، برخی مالیات سالانه و همیشگی هستند و برخی جنبه فوق العاده دارند. مالیات‌های همیشگی مالیات‌هایی هستند که مادامی که کشور در آرامش به سر می‌برد و مورد تهاجم اجاتب نیست و یا انقلابی در داخل کشور وجود ندارد، برای هزینه‌های دولت وصول می‌شوند. اما مالیات‌های فوق العاده در زمان انقلاب خارجی یا داخلی وضع و اخذ می‌شوند. مالیات‌های فوق العاده میزان محدودی ندارند. این نوع مالیات‌ها، مالیات غیرمستقیم هستند و هنگامی اخذ می‌شوند که مالیات‌های مستقیم جوابگوی هزینه‌های دولت نباشد.

تعريف مالیات بر فروش
 مالیات بر فروش عبارت است از درصد ثابت مالیات بر قیمت فروش کالا. مالیات بر فروش کالاهای و خدمات که در یک یا چند مرحله توزیع وضع می‌گردد و ممکن است در هر بار مبالغه کالا گرفته شود، مالیات عمومی فروش یا مالیات عمومی معاملات نام دارد. حالت دیگر این است که مالیات تنها بر انتقال مالکیت در یک وقت مشخص وضع گردد. مانند مالیات‌هایی که فقط از فروش تولیدکنندگان به عمده‌فروشان و یا از فروش عمده‌فروشان به خردۀ فروشان و یا به هنگام انتقال از جزئی فروشان به مصرف‌کنندگان وصول می‌شود.

در حقیقت مالیات بر فروش، مالیاتی است که به هنگام فروش هر کالا وضع می‌گردد و ممکن است بر کالاهای ویژه همانند بنزین، نخانیات، پارچه و یا فروش‌های جزئی و یا بر تمامی فروش‌های تحمیل شود. فرض بر این است که مالیات‌هایی که از این طریق اخذ می‌شود به مصرف‌کنندگان دست آخر انتقال خواهد یافت. مغازه‌داران و مؤسسات فروشنده حالت یک نماینده یا رابط را برای اخذ مالیات دارا هستند. در حال حاضر در اکثر کشورهای جهان مالیات بر فروش به ۳ گروه تقسیم‌بندی شده است:

الف. مالیات‌بندی چندمرحله‌ای. این ترتیب هنگامی پدید می‌آید که مالیات‌بندی بر تعام مراحل تولید و توزیع اعمال شود. به عبارت دیگر مالیات‌های در تمام مراحل دادوستد از بدرو تولید تا مرحله فروش به مصرف‌کننده ادامه دارد. آنچه

در عمل دیده شده این است که ممکن است بعضی از این مراحل استثناء گردند یا ناخ مالیات کمتری وضع و اخذ شود.

ب. مالیات یگانه یا یک مرحله‌ای. این مالیات فقط در یک مرحله بر کالاهای مصرفی وضع و اخذ می‌شود. ممکن است این مرحله مربوط به عمده‌فروش، خردۀ فروش یا مصرف‌کننده باشد.

ج. مالیات‌بندی بر ارزش افزوده. این مالیات ممکن است شامل حال هر دو نوع مالیات‌بندی فوق الذکر باشد و یا این که خاصیت هر دو نوع را دارا باشد. مالیات مورد بحث امکان دارد از نظر ناخ مالیات همانند مالیات‌بندی چندمرحله‌ای، ولی از لحاظ توزیع به طور جمعی حالت مالیات‌بندی یک مرحله‌ای را داشته باشد.

چگونگی مالیات بر فروش در تمام کشورها یکسان نیست. در کشورهایی که این مالیات را به عنوان تنها در آمد دولت انتخاب نموده‌اند، اخذ آن را بر مبنای وسعت و گسترش صحته فعالیت موردنیاز قرارداده‌اند، در ایالات متحده آمریکا حداقل شش نوع مالیات بر فروش وجود دارد. در بعضی از کشورها مالیات مذکور فقط از تولیدکنندگان اخذ می‌گردد و در بعضی دیگر از عمده‌فروشان، و در جاهای دیگر از خردۀ فروشان گرفته می‌شود. در بسیاری از کشورهای ازمان‌های اخیر خردۀ فروشان از این مالیات مستثنی بودند. مالیات مورد بحث به طور کلی بر کالاهای مصرفی وضع و اخذ می‌شود، هرچند دیده شده که بعضی مواقع شامل خدمات هم شده است.

دارد که اگر فردی بخواهد زندگی خود را کمافی السابق ادامه دهد مجبور باشد کار پیشتری انجام دهد ولی درباره مالیات بر فروش این مطلب صدق نمی‌کند، به لحاظ این که مصرف کنندگان که کالائی را خریداری می‌کنند و مالیات کمی می‌پردازند این اندیشه هارادر ذهن تدارد و تنها وجه کمی را که به عنوان مالیات می‌پردازند در نظر می‌گیرند. به عنوان مثال اگر نصف درآمدی که فرد از طریق اضافه کاری به دست می‌آورد از طریق مالیات بر درآمد از او اخذ شود او از اضافه کارکردن خودداری خواهد کرد، ولی اگر سه چهارم از درآمدش برای خرید سیگار به خزانه دولت واریز شود به خرید کالای موردنظر خود ادامه خواهد داد و اضافه کاری هم خواهد کرد.

ب : مالیات بر فروش و تشکیل سرمایه
 طرفداران مالیات بر فروش معتقدند که این مالیات بعکس مالیات بر درآمد انگیزه تشویقی پس انداز را کاهش نمی‌دهد، باز مالیات بر فروش حداقل بر دو شانزده هزار است که مجبورند از مصرف صرف نظر کنند و نه پس انداز کنندگان باز ناگفته پیداست که اگر مبلغی را که از طریق وضع مالیات به دست می‌آید از لحاظ مالیات بر درآمد و مالیات بر فروش با هم مقایسه نمایم، پولی که از مالیات بر فروش به دست می‌آید، از درآمد هائی خواهد بود که برای مصرف در نظر گرفته شده است. در صورتی که در امر مالیات بر درآمد این طور نیست، به عبارت دیگر مالیات

محسنات مالیات بر فروش:

مالیات بر فروش محسنات گوناگونی دارد که برخی از آنها به شرح زیراند:

الف. مالیات بر فروش و اثرات تشویقی آن
 اصولاً مالیات‌بندی تشویقی عبارت است از برنامه مالیاتی که از طریق تغییر بنیادی یک نظام مالیات‌بندی و تغییر نرخ‌های مالیات و انتقال تعلق واقعی مالیات یا دیگر تحولات ضروری بخواهد فعالیت کسب و کار و سرمایه‌گذاری را تشویق کند. واضح است که مالیات بر درآمد یا مالیات مستقیم این انگیزه تشویقی را با خود حمل نمی‌کند. اصولاً تصور می‌رود که مالیات بر درآمد مخصوصاً مالیات‌های تصاعدی سنگین، بر اقتصاد و سرمایه‌گذاری اثر معکوس می‌گذارد، به این دلیل که این مالیات بخشی از درآمد کل را جذب و از زده کاهش می‌دهد، ضمن این که فقد انگیزه و تشویق در مورد سرمایه‌گذاری موجب می‌شود که سرمایه‌گذاران آن طور که باید و شاید سرمایه‌گذاری ننمایند. این حالت در خصوص مالیات بر فروش صدق نمی‌کند، چون درآمد موردنیاز مستقیماً تحت تأثیر مالیات قرار نمی‌گیرد و تقاضا برای کالاهایی که وسیله تولیدکنندگان ساخته می‌شود کم نمی‌شود. همچنین درباره افرادی که درآمد خود را از طریق مزد و حقوق به دست می‌آورند، مالیات بر درآمد، قسمتی از درآمد کاری است که انجام داده‌اند. این مالیات موجب می‌شود انگیزه تشویقی برای پذیرفتن مشاغل، مخصوصاً درباره اضافه کاری، دگرگون شود. البته امکان

مردم است و قاطبه مردم از خدمات دولت بهره‌مند می‌شوند، طبیعی است که انتظار می‌رود همه به دولت کمک کنند و بار هزینه‌های جاری را به دوش کشند. اینجاست که می‌شود گفت فقط از طریق مالیات بر

صرف است که همه می‌توانند به دولت کمک کنند. مالیات بر فروش تنها راهی است که دولت می‌تواند از فقیرترین فرد جامعه هم کمک

بگیرد. از طریق مالیات بر فروش است که فرهنگ اجتماعی بیدار می‌شود و مردم از اعمال و رفقار دولت خود آگاهی می‌یابند. می‌توانیم وضع کشور اسلامی ایران را مثال بزنیم، مردمی که انقلاب کردند مطمئناً برای نگاهداری از انقلاب خود حاضرند به هرگونه ایثار و فداکاری دست بزنند. کافی است که مردم را از مقاصد دولت آگاه نمود.

هدف اصلی تقام مالیات‌هایی که بر صرف وضع و اخذ می‌شود آن است که مردم در امور دولت و کمک به آن سهیم باشند. اگر دولت، منتخب مردم و برای مردم است و قاطبه مردم از خدمات دولت بهره‌مند می‌شوند، طبیعی است که انتظار می‌رود همه به دولت کمک کنند و بار هزینه‌های جاری را به دوش کشند

صرف را کاهش می‌دهد. روی هم رفته نسبت درآمد ملی از مالیات بر فروش بیش از درآمدی خواهد بود که از طریق مالیات بر درآمد بدست می‌آید ضمن این که نرخ تشکیل سرمایه از این طریق بدون

افزایش تورم هم در سطح بالاتری خواهد بود. این استدلال مخصوصاً برای کشورهای در حال توسعه که عموماً با کمبود

سرمایه و تشکیل آن روپرتو هستند اهمیت دارد. مالیات بر فروش تا حدی موجب جلوگیری از افزایش استاندارد زندگی مردم می‌شود. به عبارت دیگر مالیات بر فروش از نظر افزایش و تشکیل سرمایه در کشورهای در حال توسعه مالیات مناسبی محسوب می‌شود. لذا می‌توان گفت مالیات بر فروش برای تشکیل و تجمع سرمایه برای کشورهای در حال توسعه محدود و مقرن به صرفه است.

د: مالیات بر فروش و اجتماع متحرک
یکی از مباحث منطقی و مناسب بر خصوص مالیات بر فروش همانا پیشنهاد وضع این مالیات برای جوامع متحرک، مخصوصاً شهرها و مراکز توریستی است. شاید بتوان ادعا کرد که این تنها طریقه‌ای است که می‌توان انتظار داشت اجتماع سیال در هزینه‌ها و خدماتی که دولت انجام

ج: مالیات بر فروش به عنوان سهیم بودن در امور دولت
علمای علم مالیه معتقدند که هدف اصلی تمام مالیات‌هایی که بر صرف وضع و اخذ می‌شود آن است که مردم در امور دولت و کمک به آن سهیم باشند. اگر دولت، منتخب مردم و برای

را کاهش دهد.
ب. مالیات بر فروش، هزینه‌ها را محدود می‌کند
که این به نوبه خود منتج به کاهش فشار بر
تقاضای اضافی و عرضه محدود خواهد شد. این
نکته قابل

یادآوری است که
وقتی مالیات
بیشتری بر
فروش کالاها
وضع شود، ممکن
است افراد پا
حقوق بگیران

تقاضای دستمزد و حقوق بیشتری بنمایند. در
چنین حالتی اگر تقاضاهای مربوط اجابت و
پرداخت شود، اثر ضدبوری این مالیات خنثی
خواهد شد.

و : مالیات بر فروش و سهولت اخذ مالیات و وضع مدیریت

در اخذ مالیات بر فروش همانند دیگر مالیاتها
فرض بر این است که این مالیات به آسانی و
سهولت اخذ می‌گردد و مؤیدان هنگام پرداخت
مالیات فشار زیادی احساس نمی‌کنند. از آنجا که
مالیات بر فروش در زیر سرپوش قیمت کالاهایی
که خریداری می‌شوند مخفی است، مردم بذرگ
ملتفت پرداخت مالیات می‌شوند و فشاری را
احساس نمی‌کنند، وانگهی این مالیات به هنگام
خرید کالا بطور ناخودآگاه پرداخت می‌شود.
همچنین مالیات بر فروش را اگر با مالیات‌های بر

می‌دهد دین خود را ادا نماید. اجتماع سیال شامل
 تمام آن افرادی می‌شود که از روستاهای
دوردست و از کشورهای دیگر به سوی شهرها
می‌آیند نه برای رهایش و سکنی، بلکه برای
دادوست و کسب

و کار موقت.
بدیهی است که این
افراد از پرداخت
مالیات بر درآمد یا
مالیات‌های
مستقیم معاف
هستند.

تها طریقی که می‌توان از توریست‌های داخلی یا
خارجی مالیاتی دریافت نمود، از راه دریافت
مالیات بر کالاهای تولید شده مصرفی یا مالیات
بر فروش است. کشور ایران از دیرزمان به
عنوان کشور توریستی شناخته شده و
توریست‌های بسیاری در این کشور مسافرت
می‌کنند و از کالاهای دستی سنتی خریداری
می‌نمایند. لذا از طریق اخذ مالیات بر فروش در
شهرهای ایران می‌توان درآمد خوبی برای دولت
به دست آورد.

ه: مالیات بر فروش به عنوان مقیاس یا
عامل ضدتورمی
در زمان جنگ یا در شرایط تورم، مالیات بر
فروش می‌تواند به عنوان عامل ضدتورمی عمل
کند. این کار از دو طریق امکان‌پذیر است.
الف. ممکن است قدرت خرید مقرط در دست مردم

نقش مالیات بر فروش در کشورهای در حال توسعه

آنچه تا حال بیان شد نقش مالیات بر فروش بطور عمومی یعنی نقش آن در کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافتد است. ولی لازم است که نقش این نوع مالیات را در کشورهای در حال توسعه بطور جداگانه مورد بررسی قرار دهیم. همانطوری که قبل اشاره شد مالیات بر فروش به اندازه مالیات بر درآمد از انگیزه تشویقی تشکیل و تجمع سرمایه و سرمایه‌گذاری جلوگیری نمی‌کند. در حقیقت هنگامی که مالیات بر فروش بر درآمدی که مخصوصاً مصرف است وضع شود تعامل یا حالت منع مصرف دارد که منتج به پس انداز بیشتر و تشکیل سرمایه می‌شود. این مطلب برای کشورهای در حال توسعه جالب توجه است. چون در این کشورها نیروی انسانی بیش از سرمایه و نیروی کاربر از نیروی سرمایه‌بر بیشتر مصرف می‌شود. افزایش سرمایه و سرمایه‌گذاری جدید بوسیله درآمد ناشی از مالیات بر فروش موجب افزایش سریع استاندارد عمومی زندگی مردم می‌شود.

موضوع دیگر این که مالیات بر فروش در کشورهای در حال توسعه ممکن است با افزایش نرخ سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد پولی مردم به عنوان یک عامل بازدارنده تورم موربد استفاده قرار گیرد. در حالی که عرضه کالا با سرعت کمتری افزایش می‌یابد و نمی‌تواند با تقاضا همگام باشد و خواهی نخواهی فشار تورمی

درآمد و مالیات بر هزینه مقایسه نمائیم مطمئناً سهل الوصول تر است. چرا که این مالیات از گروه محدودتری از مؤسسات تجاری و کسبه وصول می‌شود آن هم بر مبنای فروش کل بدون در نظر گرفتن جزئیات.

از نظر اجرائی و اداری، مالیات بر فروش برای کشورهای در حال توسعه بسیار مناسب است که در این زمینه در فصل‌های بعدی بحث خواهد شد. در این مرحله همین قدر کافیست بدانیم که کشورهای جهان سوم و در حال توسعه اکثر آنها مناسب سهل الوصول بودن و آسانی عمل و عدم امکان فرار از مالیات به این نوع مالیات روی آورده‌اند.

ن: مالیات بر فروش و کشورهای دارای سیستم فدرال

مالیات بر فروش برای کشورهایی که با سیستم فدرال اداره می‌شوند بسیار مناسب و مقید است. در کشورهایی مانند آمریکا و هند که دارای حکومت فدرال هستند، حکومت مرکزی از مزایای مالیات بر درآمد استفاده می‌کند. اما استان‌ها و ایالات این‌گونه کشورها برای خود به درآمد جداگانه نیاز دارند و این درآمد می‌تواند از طریق برقراری مالیات بر فروش تأمین شود. لازم به یادآوری است که در بعضی از کشورها عکس این رویه صادق است. یعنی حکومت مرکزی بیشتر از حکومت‌های ایالتی از مالیات بر فروش استفاده می‌کند.

ظاهر می شود که در آن صورت با کمک مالیات بر فروش و دیگر مالیاتها می توان قدرت خرید اضافی مردم را جذب و تورم را منکوب نمود، ضمن این که تقاضای کالا و خدمات را هم کاهش داد. نباید فراموش نمود که این سیاست حدود و تنفسی دارد و لازم است حدود آنرا در نظر داشت.

دست آخر مالیات بر فروش می تواند مالیات مناسب و مفیدی برای کشورهای در حال توسعه باشد. در کشورهای در حال توسعه مردم با برآمدی پائین زندگی می کنند و ضمناً هزینه اخذ وصول مالیات بر درآمد سنتگین تر است، لذا مقرنون به صرفه است که این کشورها به مالیات بر فروش توجه بیشتری مبذول دارند.

دوم این که در این کشورها استاندارد مباشرت و مدیریت مالیاتی مبهم و پیچیده است. فرهنگ و درک اجتماعی بصورت مطلوب توسعه نیافتد، و پرداخت مالیات را نوعی باج می دانند و لذا وصول صحیح و مؤثر و واقعی مالیات بر درآمد و دیگر مالیات های مستقیم صورت نمی گیرد. در چنین شرایطی مالیات بر فروش می تواند کارآمد و مؤثر واقع شود. شاید بتوان گفت علت این که اکثر کشورهای در حال توسعه به این مالیات این قدر اهمیت می دهند همین باشد.

مالیات بر فروش به عنوان یک ابزار ضریب‌ورمی و سیاست مالی

گفته شد که مالیات بر فروش را می توان برای منع

صرف مورد استفاده قرار داد که خود می تواند ابزار حکمی در سیاست مالی برای کنترل فشار تورم باشد. در گذشته اقتصاددانان و سیاستمداران مالیات بر فروش را فقط از زوایه درآمد موربدبررسی و استفاده قرار می دادند و هرگز به فکر استفاده از آن به عنوان یک ابزار حکمی برای سیاست مالی نبودند. فقط از زمان جنگ جهانی دوم به بعد به اهمیت آن به عنوان وسیله ضدتورمی و سیاست مالی پی برند. جالب توجه است که مالیات بر فروش که گمان می رود دافع و مقابله کننده با گرانی و افزایش قیمت (تورم) باشد، خود فزاینده افزایش در قیمت‌ها است. چگونه ممکن است مالیات‌هایی که فزاینده قیمت‌ها است مانع تورم یا ضدتورم باشند؟ برای حل این مسئله ظاهراً مهمل نمایا متناقض، لازم است بین افزایش قیمت‌ها که به واسطه وضع مالیات بر فروش بوجود می آید و افزایش قیمت‌ها که آن را به عنوان تورم می شناسیم تفکیک بعمل آید.

مالیات بر فروش قیمت کالاهای مصرفی را افزایش می دهد و نتیجتاً قدرت خرید واقعی جامعه را کاهش می دهد. وانگهی این مالیات مستلزم افزایش قیمت کالاهای بدون افزایش قیمت عوامل تولید و مواد اولیه می شود، در صورتی که تورم مستلزم افزایش هر دو یعنی قیمت کالاهای و قیمت عوامل تولید خواهد بود که موجب افزایش اضافی درآمد پولی می گردد و این به نوبه خود منجر به افزایش تورم بیشتر خواهد شد. بنابراین می توان نتیجه گیری کرد که مالیات بر فروش

سعی بر آن بارد که تقاضا و مصرف را از طریق افزایش قیمت ها کنترل نموده و کاهش دهد. در حالی که افزایش قیمت ها بوسیله تورم منجر به تراکم بوسیله افزایش قیمت کالاهای و قیمت عوامل تولید به اختیام درآمد پولی می شود.

توانائی و صلاحیت مالیات بر فروش بعنوان یک عامل ضدتورمی منوط به یک شرط است و آن این است که وقتی مالیات بر فروش برای جلوگیری از تقاضای مردم برای کالاهای مصرف نهایی وضع و اخذ می گردد، به هیچ وجه

مسوّج

افزایش قیمت

عوامل تولید

نگردد. اگر

تقاضا برای

مزد و حقوق

بواسطه وضع

مالیات بر فروش برای این که مردم را از مصرف باز داشته باشد، چنان پوشش همگانی که تمام کالاهای و حتی خدمات را دربر گیرد. البته نباید فراموش نمود که این کار از

نظر اخلاقی و سیاست مقدور نیست کاملاً عملی شود و استثنائاتی وجود دارد.

ج. برای بدست آوردن یک راه حل و طرح مناسب توزیع هزینه های عمومی و یا برای تشویق منفی از بعضی از کالاهای مصرفی که با عرضه محدود و مفرط روپرور می باشد، لازم است نرخ مناسب فاصله گیری در نظر گرفته شود.

د. وبالاخره نکته دیگری که لازم است مورد رعایت قرار گیرد این است که ترتیبی داده شود که کالاهای سرمایه ای از پوشش این مالیات مستثنی گردد و مالیات مورد بحث فقط شامل کالاهای مصرفی شود.

مالیات بر فروش برای این که مردم را از مصرف باز

دارد و تشویق منفی نماید لازم است حتی المقدور

پوشش بسیار گسترده و وسیع داشته باشد، پوشش

همگانی تمام کالاهای و حتی خدمات

مالیات و به دنبال آن افزایش یابد و موردنقبال واقع گردد، اثرات افزایش مزد و حقوق بصورت افزایش قیمت ها منعکس خواهد شد که در آن صورت اثرات مالیات بر فروش همانند اثرات تورمی در قیمت خواهد بود یعنی در حقیقت بجای آن که مالیات بر فروش تورم را منکوب کند افزایش تورمی در قیمت ها را تحریک می کند.

برای استفاده از مالیات بر فروش بعنوان یک عامل بازدارنده و ضدتورمی لازم است به چند نکته توجه داشت:

- الف. مالیات بر فروش باید فقط در مرحله خرده فروشی وضع و اخذ شود. این گونه مالیات

برتری مالیات بر فروش به عنوان ابزاری برای کنترل تورم

بر فروش مستثنی باشد. ضمن این که لازم است طبقه مستضعف و کم درآمد جامعه از بار بیش از حد مالیات معاف باشند. بنابراین مشاهده

می شود که مالیات بر فروش از نقطه نظر هزینه های منع مصرف بر دیگر مالیات ها ارجحیت دارد.

یکی دیگر از عواملی که مالیات بر فروش را شایستگی بخشیده است، آن است که به مصرف کننده آگاهی می دهد که هنگام خرید چه مبلغ به عنوان مالیات می پردازد. این بدان علت

است که هنگامی که مصرف کننده کالائی را خریداری می کند پرداخت مبلغ مالیات بر فروش مستقیماً با آن تسویام است و مصرف کننده آگاهی حاصل می کند که اگر از خرید کالای مورد نظر صرف نظر کند، از پرداخت مالیات برای خرید آن کالا معاف خواهد بود. در صورتی که در مورد مالیات بر درآمد مستقیماً رابطه ای بین خرید کالا و مالیات وجود ندارد.

بار مالیات بر مصرف را صرفاً آنهایی بر دوش خواهند کشید که کالائی را خریداری و مصرف می کنند. به عبارت دیگر کسانی این مالیات را می پردازند که به طور نسبی درصد بیشتری از درآمد خود را برای به دست آوردن کالاهای مصرفی خرچ می کنند. البته این قاعده شامل حال فامیل های پرجمعیت و افراد کم درآمدی می شود

با کاهش مصرف از طریق مالیات بر فروش، این مالیت در واقع انگیزه ای برای پس انداز بوجود می آورد ولی تأثیر چنین خط مشی مفتوط به تعیین نرخ مالیات، مدتی که آن مالیات قرار است دائز باشد و غیره می باشد. اگر مالیات دقیقاً برای کنترل تورم وضع شود و اگر به مردم تقویم شود که این مالیات موقتی است و به محض این که

تورم منکوب شود این مالیات حذف خواهد شد، تأثیر آن برای تقویق از مصرف قوی خواهد بود.

از نظر کاهش و منکوب نمودن تورم حتی البسه، اگذیه و دیگر ملزومات زندگی هم نباید از پرداخت مالیات بر فروش مستثنی باشد. ضمن این که لازم است طبقه کم درآمد جامعه از بار بیش از حد مالیات معاف باشند

اشر مالیات بر فروش برای کاهش عمومی هزینه های مصرف کنندگان در زمینه خرید، بستگی به شمول و پوشش آن دارد. بعنوان مثال اگر بعضی از اقلام کالاهای از پرداخت مالیات مستثنی شوند، مصرف کنندگان از خرید کالاهای مشمول مالیات خودداری نموده به کالاهای معاف از مالیات روی خواهند آورد که در آن صورت هزینه های مصرف کاهش نخواهد یافت و فشار تورمی کمکان باقی خواهد ماند. از نظر کاهش و منکوب نمودن تورم حتی البسه، اگذیه و دیگر ملزومات زندگی هم نباید از پرداخت مالیات

با میزان درآمد ندارد.

طرح مالیات بر فروش

مالیات بر فروش، با چارچوب قدیمی و پوشش جدید در اکثر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مورد توجه قرار دارد. از علل پذیرش این طرح یکی سهل‌الوصول بودن آن است. دیگر این که گریز از مالیات، کوشش غیرقانونی برای طفره رفتن و اجتناب از مالیات و کتمان اطلاعات لازم در برابر مقامات مسئول وجود ندارد.

برای تحقیق درباره این طرح لازم است از یک یا چند کشور که در این زمینه تجربه دارند و موفق یوده‌اند الگو گرفت. کشورهای شوروی، آمریکا، انگلیس، فرانسه، ایتالیا و هند پس از جنگ جهانی اول به این نوع مالیات توسل جسته‌اند و قسمتی از هزینه‌های دولت را از طریق این مالیات تأمین نموده‌اند. بنظر اینجانب کشور ما ایران به چند جهت می‌تواند از کشور همسایه خود هندوستان الگو بگیرد. اول این که این کشور بواسطه دوستی با کشورمان به آسانی تجارب حاصله را ممکن است در اختیار ما قرار دهد. دوم این که این کشور یکی از کشورهای در حال توسعه است و مسائل مشابهی همانند مسائل کشور ما دارد. سوم این که برای کسب اطلاعات و تجارب لازم نیست هزینه‌های گزاری متحمل شویم.

که میل به مصرف در آنها زیاد است. این گروه به ندرت یا هرگز در دامنه رسیدگی مالیات‌بندی بر درآمد قرار نمی‌گیرد. وانکه این گروه از فامیل‌های پرجمعیت و کمدرآمد مجبور خواهد بود با مقایسه با افراد پردرآمد از تقاضای خود برای خرید کالاهای مصرفی بکاهند. بدیهی است که سنگینی مالیات بر درآمد بر دوش طبقه کم‌درآمد احساس خواهد شد، اما باید توجه داشت که در اینجا بحثی از عدالت، انصاف، و تساوی حقوقی نیست، بلکه موضوع کنترل تورم مطرح است که در این مورد خاص هدف اصلی را تشکیل می‌دهد.

نتیجتاً همانطوری که قبلاً در مورد مالیات بر درآمد گفته شد، این نوع از مالیات بواسطه این که درآمد اضافی را خودبخود به صورت مالیات جذب می‌نماید نه فقط حالت تشویقی برای انجام فعالیت اضافی ندارد، بلکه جنبه ضدتشویقی هم دارد، به طوری که سبب می‌شود که افراد از انجام اضافه کاری خودداری کنند، اما مالیات بر فروش بواسطه این که تا آن زمانی که درآمد برای کالاهای مصرفی و کالاهای مشمول مالیات خرج نشود لازم نیست پرداخت گردد، بنابراین هنگامی که فرد می‌خواهد تصمیم بگیرد که کار بیشتری یعنوان اضافه کاری انجام دهد و درآمد خود در مورد مالیات بر درآمد متعلق را در نظر داشته باشد و نه مالیات بر فروش را که ارتباطی

اینترنت

و آثار آن در جنبه‌های مالیاتی معاملات بین‌المللی

ترجمه و تلخیص از: دکتر علی اکبر عرب مازار

نویسنده مقاله (David R. Tillinghast) ریاست کمیته دائمی انجمن مالی بین‌المللی را بر عهده دارد. آنچه وی به رشته تحریر درآورده، مشکلی است که انقلاب معاصر در زمینه ارتباطات برای مدیران مالیاتی کشورهای پیشرفته در این سال‌های پایانی قرن پیستم پدیدآورده است، مشکلی که در قرن آینه با دامنه‌ای بسیار گسترده تن به اغلب ممالک جهان تسری خواهد یافت.

فرض در موارد بسیاری درستی و قابلیت تحقق خود را از دست بدده. روز بروز بر شمار فراورده‌هایی که به مفهوم سنتی آن غیر فیزیکی محسوب می‌شوند، در عرصه داد و ستد جهانی افزوده می‌شود. فرضیاً در ایالات متحده آمریکا بیش از نیمی از هزینه‌های سرمایه‌ای صرف تکنولوژی اطلاعاتی می‌شود و قازه این غیر از مبالغی است

مقررات بین‌المللی مالیاتی زمان ما، که ضمن قوانین داخلی کشورها و قراردادهای مالیاتی بین‌المللی مندرج است، غالباً بر این فرض مبتنی است که تجارت جهانی به شکل نقل و انتقال فیزیکی کالاها یا اعراضه کنندگان خدمات از کشوری به کشور دیگر صدورت می‌پذیرد. اما گسترش شیکه اطلاعاتی اینترنت و وسائل ارتباطی مربوط به آن سبب شده است که این

مشکل تر می شود و نیاز به دیدار و تماس حضوری خریدار و واسطه ها نیز مداماً کاهش می یابد. حتی یک خدمت واحد ممکن است با اشتراک مساعی مجموعه ای از افراد ارائه شود که در نقاط دور از یکدیگر مستقر هستند. یک مثال ساده می زنیم. فرض کنید شخص یا مؤسسه ای که نرم افزار خاصی را خریداری کرده، در استفاده از آن دچار اشکال شده به اصطلاح بخواهد از آن اشکال زدایی (debug) کند. وی می تواند

از خط ارتباط کامپیوتری فروشندۀ برای انجام مقصود خود استفاده نماید. در این حالت مؤسسه فروشندۀ بر حسب مورد ممکن است وی را

با متخصصی مرتبط سازد که در هر نقطه ای از جهان می تواند قرار داشته باشد. رفع مشکل نیز به صورت انتقال برنامه های معین کامپیوتری صورت می گیرد و نیازی به تماس حضوری و حرکت فیزیکی ارائه کنندگان خدمت ندارد. به طور خلاصه فرض های سنتی در باب طرق انجام معاملات و تجارت با حقایق مربوط به خدمات و اموری که از طریق اینترنت صورت می پذیرد تناسب و مشابهتی ندارد.

که برای تهیه وسائل حاوی نرم افزار پرداخت می شود. شمار قابل توجهی از معاملاتی که در گذشته با انتقال و جابجایی فیزیکی کالاها توأم بود دیگر این حالت را ندارند. به عنوان مثال هر علاقمند به خواندن جراید با داشتن یک کامپیوتر، یک مودم و یک نرم افزار مناسب می تواند مجلات و روزنامه های بسیاری را مطالعه کند، بی آنکه لازم باشد این کالای خاص از مکانی به مکان دیگر منتقل شود تا به دست او برسد.

حتی در مواردی

هم که نقل و انتقال فیزیکی کالاها ضرورت دارد، فرایند معاملات بسیار دگرگون شده است. خریدار غالباً کالا را از طریق ارتباط کامپیوتری سفارش می دهد و با فروشندۀ یا واسطه مربوط از همین طریق به

شمار قابل توجهی از معاملاتی که در گذشته با انتقال و جابجایی فیزیکی کالاها توأم بود دیگر این حالت را ندارند. حتی در مواردی هم که نقل و انتقال فیزیکی کالاها ضرورت دارد، فرایند معاملات بسیار دگرگون شده است. خریدار غالباً کالا را از طریق ارتباط کامپیوتری سفارش می دهد و با فروشندۀ یا واسطه مربوط از همین طریق به بحث و چانه زدن می پردازد

با فروشندۀ یا واسطه مربوط از همین طریق به بحث و چانه زدن پیرامون کمیت، کیفیت، قیمت و سایر شرایط معامله می پردازد. علاوه بر این غالباً ردگیری موقعیت جغرافیائی کامپیوتر فروشندۀ بسیار مشکل است. هر مؤسسه تجاری می تواند از سرویس دهنده های مختلفی استفاده کند که هر یک از آنها نیز به توبه خود می توانند در هر نقطه ای مستقر شوند. تعیین محل انجام این گونه خدمات روزبروز

منبع انجام شود، مشابه جالتی عمل می‌شود که کسب و کار مربوط در کشور منبع استقرار دارد، یعنی مالیات کشور منبع شامل درآمد حاصل از چنین فعالیتی می‌شود. اما اگر درآمد مورد نظر از واکذاری حقوق و امتیازات توسط مقیم یک کشور به استفاده کنندگان کشور دیگر به دست آید و یا نتیجه سرمایه‌گذاری در کشور ثانی یا شد، در چنین حالاتی بحث مالیات تکلیفی به میان می‌آید و از درآمد مربوط، مالیات در منبع توسط پرداخت

کننده درآمد کسر

و به مراجع

مالیاتی کشور

منبع تأديه

می‌گردد. در باقی

حالات خاصه

«اقامت» مطرح

ایست و هر صاحب

درآمدی مالیات

خود را به کشور

محل اقامت خویش (به مفهوم مالیاتی آن)

می‌پردازد. کنوانسیون مدل اجتناب از اخذ مالیات

مضاعف سازمان همکاري و توسعه اقتصادي

(OECD) که از جانب بسیاری کشورها مورد

تقلید و تبعیت می‌باشد، متنضم قواعدی از همین

قرار است.

تحولات حاصل از کاربرد اینترنت نیاز به حضور

فیزیکی فرستنده یا عرضه کننده خدمات راهنمای

گونه که گفته شدیداً کاهش داده، و با اختلاط و

سیستم‌های مالیاتی جاری و قراردادهای مالیاتی معاصر معمولاً سه رشتہ درآمد اساسی را از یکدیگر متمایز می‌سازند: درآمد حاصل از فروش اموال منتقل، انجام خدمات، و ارائه حقوق و دارائی‌های غیر ملموس که دارائی‌های معنوی از آن جمله است. اما اگر ما از مؤسسه‌ای صرفاً اطلاعات دریافت داریم، چنین تبدیلی مشمول کدام یک از فقرات و حالات فوق است؟ آیا ما کالا خریداری کرده‌ایم؟ آیا اطلاعات و نرم افزاری که دریافت داشته‌ایم،

به منزله استقاده

از حق الامتیاز و

حقوق مؤلف

است؟ و بالاخره با

چنین تبدیلی آیا ما

خدمتی را

خریداری

کرده‌ایم؟ ورود

اینترنت و وسائل

مشابه آن به

عرصه ارتباطات جهانی تمایز بین این حالات را

دشوار ساخته و در پرده‌ای از ابهام و اختلاط

فرو برده است.

بر حسب قواعد کلاسیک مناسبات بین‌المللی

مالیاتی، صلاحیت اخذ مالیات و در نتیجه درآمد

مالیاتی بین کشوری که درآمد در آنجا تحصیل

شده (کشور منبع) و کشوری که مؤیدی مقیم آنجا

است (کشور محل اقامت) منقسم می‌گردد. هر

گاه فعالیت مولده درآمد به طور فیزیکی در کشور



مالیات مضاعف بپردازیم^(۱). به موجب قراردادهای مالیاتی که بر مبنای کنوانسیون مدل OECD تدوین یافته، سود کسب و کار مؤسسه مقیم یکی از کشورهای متعاهد در کشور دیگر متعاهد تنها در صورتی مشمول مالیات قرار خواهد گرفت، که مؤسسه مذکور در کشور ثانی دارای یک مؤسسه ثابت (Permanent establishment) باشد و سود حاصل را بتوان ناشی از فعالیت چنان مؤسسه ثابتی دانست. مؤسسه ثابت اصولاً می‌تواند به شکل تسهیلات فیزیکی، یعنی وجود محل ثابت کسب و کار یا وجود عامل مؤسسه اصلی در کشور منبع درآمد تجلی کند.

حال فرض کنید که مؤسسه مقیم کشور نخست در کشور ثانی (که مقیم آنجا به حساب نمی‌آید) دارای یک «خدمت دهنده میزبان» (host server) است، یعنی در آن کشور کامپیوتری دارد که از طریق آن هر گونه اطلاعات پیرامون فرآوردهای خود را در اختیار مشتریان قرار می‌دهد. مشتریان با این کامپیوتر تماس حاصل می‌کنند تا اطلاعات لازم را به دست آورند و از همان طریق سفارش‌های لازم را بدeneند. در واقع مانند این است که مشتری با ملاحظه اطلاعات

ابهامی که وضعیت جدید در تشخیص حالات کلاسیک مالیاتی پدید آورده، بیم آن می‌رود که ترتیبات فوق متحول گردد و به طور خاص صلاحیت اخذ مالیات و درآمد مالیاتی را به طور عمده متوجه کشور محل اقامات مؤدی یعنی عرضه کنندگان این گونه خدمات سازد. این نکته به ویژه از نظر کشورهای در حال توسعه می‌تواند نگران کننده باشد، زیرا بخش بسیار عظیم این گونه تبادل اطلاعات از کشورهای پیشرفته به سوی ممالک روبه توسعه جریان دارد، و در نتیجه کفه درآمد مالیاتی را به سود گروههای خصوصی تغییر می‌دهد. با توسعه روزافزون تکنولوژی اطلاعاتی و گسترش عظیمی که در زمینه این گونه روابط اجتناب ناپذیر است، می‌توان عدم تعادل بسیار قابل توجهی را به زیان درآمدهای مالیاتی کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی نمود.

مهم‌ترین پرسشی که با توجه به ملاحظات فوق مطرح می‌شود، این است که آیا می‌توان مفاهیم و موازین کنونی حاکم بر مناسبات بین‌المللی مالیاتی را با تعبیرات و تدابیری بر اوضاع و احوال جدید منطبق ساخت، چنان که موارد ابهام و عدم تعادل مورد بحث را مرتفع و جبران نماید، یا این که لازم است قواعد تازه‌ای را در این زمینه ابداع کرد و به یاری آنها به رفع مشکل پرداخت؟ اگر بخواهیم از حالت کلی بحث خارج شده و موارد خاص متأثر از این جریان را بررسی کنیم، باید پیش از هر چیز به مقررات راجع به مؤسسه ثابت در قراردادهای بین‌المللی اجتناب از اخذ

۱- برای آگاهی بیشتر مقاله «بررسی تحلیلی و تطبیقی پیرامون قراردادهای جدید مالیاتی ایران» در شماره‌های ۱۴ و ۱۵ مجله مالیات ملاحظه شود.

از شمول عنوان مؤسسه ثابت خارج می‌شود و کشور میزبان حقی بر وضع مالیات بر چنین فعالیت‌هایی را نخواهد داشت، طبیعی است که با این اوصاف باب مناقشه در باب این که کامپیوتر مورد بحث یک مؤسسه ثابت هست یا نه و در نتیجه کشور میزبان محق به دریافت مالیات است یا خیر، باز می‌شود.

از سوی دیگر کنوانسیون OECD حالتی را پیش‌بینی کرده که شخص حقیقی یا حقوقی به نمایندگی از سوی

مؤسسه تجاری
کشور اصلی، در
کشور میزبان به
فعالیت پردازد.
وجود چنین
شخصی - حتی بی
آنکه دفتر یا محل
ثبت دیگری برای
انجام فعالیت‌های
نمایندگی خود

داشته باشد - دلایل بر وجود مؤسسه ثابت و دلیل بر تعلق مالیات کشور میزبان می‌باشد (بند ۵ ماده ۵ کنوانسیون). اکنون اگر مشتری پس از چنان زدن از طریق همین کامپیوتر به شخص یا مؤسسه خدمت دهنده کامپیوتری که نمایندگی فروشندۀ اصلی را دارد، خرید کالائی را سفارش گیرنده را می‌توان مصدق بند ۵ ماده ۵ کنوانسیون OECD دانست یا خیر. از کالا که

مندرج در کاتالوگ کالا، هر مقدار و هر نوع جنسی را که انتخاب می‌کند سفارش بدهد. در این که می‌توان این دستگاه را به منزله یک «سایت» ویژه تلقی کرد و در نتیجه قائل به وجود «مؤسسه ثابت» در کشور میزبان گردید، دشواری خاصی به نظر نمی‌رسد. در چنین حالتی ظاهراً تکلیف قضیه روشن به نظر می‌رسد، یعنی در صورت وجود درآمدی که آن را بتوان به مؤسسه ثابت مورد بحث نسبت داد، قاعدة درآمد

**منذکور تابع
مالیات کشور
میزبان خواهد
بود.
اما مشکل بر سر
این است که به
موجب همان
کنوانسیون مدل
OECD و بسیاری
از قراردادهای**

بخش عظیم تبادل اطلاعات از کشورهای پیشرفته به سوی مفالک روبه توسعه جریان دارد، و در نتیجه کفه درآمد مالیاتی به سود گروه نخست تغییر می‌یابد. با توسعه مداوم تکنولوژی اطلاعاتی و گسترش عظیمی که در زمینه این گونه روابط اجتناب ناپذیر است، می‌توان عدم تعادل قابل توجهی را به زیان درآمدهای مالیاتی کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی نمود.

مالیاتی زمان ما، استثنایاتی بر قاعده کلی یاد شده وارد شده است. این موارد مربوط به فعالیت‌هایی هستند که به منظور تهیه مقدمات یک کار اصلی و کمک به انجام آن صورت می‌پذیرد و فرع بر فعالیت اصلی به حساب می‌آید. از جمله اگر محل ثابتی ایجاد و اداره شود که منظور از آن صرفاً انبار کردن یا نمایش کالا باشد، بی آن که در آن کالائی به معرض فروش گذارده شود (بند ۴ ماده ۵ کنوانسیون مدل OECD)، در چنین حالتی مورد

بگذریم در مورد دادوستد اطلاعات نیز ابهاماتی از همین گونه می‌تواند بروز کند. اگر اطلاعات واگذاری از طریق اینترنت را نوعی انجام خدمت تلقی کنیم، آنگاه به موجب کنوانسیون مدل OECD (ماده ۱۴) چنین خدماتی مشمول مالیات کشور منبع درآمد تخواهد بود، مگر این که ارائه دهنده خدمت یک پایگاه ثابت در کشور منبع در اختیار داشته و از طریق آن به ارائه خدمات خود بپردازد. در اوضاع و احوال فعلی مناسبات محاسبات از طریق اینترنت نیز مطرح است و با این فعل و افعال

توانائی مقامات مالیاتی در کنترل پرداختها کمتر می‌شود. در سرمیناری که چندی قبل تحت عنوان «تصویر سیستم‌های مالیاتی در قرن بیست و یکم» از سوی مؤسسه مالی بین‌المللی در ژنو برگزار شد، مروین کینگ (Mervyn King) اقتصاددان ارشد بانک انگلیس پیش‌بینی کرد که در آینده بانک‌های مرکزی به منظور حفظ توانائی خود در تنظیم عرضه پول در صدد برخواهند آمد که پرداخت‌های انجام شده از طریق اینترنت را تحت نظارت قرار دهند.

در سرمیناری که چندی قبل تحت عنوان «تصویر سیستم‌های مالیاتی در قرن بیست و یکم» از سوی مؤسسه مالی بین‌المللی در ژنو برگزار شد، مروین کینگ (Mervyn King) اقتصاددان ارشد بانک انگلیس پیش‌بینی کرد که در آینده بانک‌های مرکزی به منظور حفظ توانائی خود در تنظیم عرضه پول در صدد برخواهند آمد که پرداخت‌های انجام شده از طریق اینترنت را تحت نظارت قرار دهند.

کامپیوتري چنین شرطی به ندرت می‌تواند محقق شود. البته در قوانین پاره‌ای از کشورها اخذ نوعی مالیات تکلیفی از وجوده قابل پرداخت بابت خدمات ارائه شده از منابع خارجی پیش‌بینی شده

مالی بین‌المللی در ژنو برگزار شد، مروین کینگ (Mervyn King) اقتصاددان ارشد بانک انگلیس پیش‌بینی کرد که در آینده بانک‌های مرکزی به منظور حفظ توانائی خود در تنظیم عرضه پول در صدد برخواهند آمد که پرداخت‌های انجام شده از طریق اینترنت را تحت نظارت قرار دهند. همه آنچه گفتیم از دید منافع مالیاتی کشور منبع بود. اما از جهت کشور محل اقامت ارائه دهنگان

است، ولی مقررات کنوانسیون مدل OECD به نحوی است که ملاحظه کردیم. هرگاه واگذاری اطلاعات به شرح فوق را با واگذاری حق استفاده از حق الامتیاز مشابه دانسته و از این زاویه به جنبه مالیاتی آن بنگریم، در آن صورت باز هم به موجب همان کنوانسیون (ماده ۱۲) درآمد حاصل مشمول مالیات کشور متعاهدی است که مؤدى مقیم آن است، مگر این

معقول به مرحله تطبیق با شرایط نوین حائز ضرورت می‌باشد. اگر کشورها، یا گروه‌های مختلف کشورها، هر یک به راه خود روند نتیجه چیزی جز یک هرج و مرج مالیاتی نخواهد بود. فرضًا اگر برخی از کشورها بخواهند مشکل را با وضع مالیات‌هایی بر استفاده از کامپیوتر بدون توجه به میزان درآمدهای واقعی حل کنند، و گروه دیگر در صدد برآیند که جنبه درآمدی قضیه را حفظ کنند اما مبانی تازه‌ای برای تعلق مالیات در مبنی برقرار سازند، وبالاخره دسته دیگری بخواهند قواعد و موازین مالیاتی موجود را کمکان برای خود نگاه دارند، در آن صورت بروز موج عظیمی از دشواری‌های ناشی از اخذ مالیات مضاعف، ناگزیر خواهد بود.

هم اکنون محاذی کار پژوهش در این زمینه را آغاز کرده‌اند که از آن جمله می‌توان از کمیته مالی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی OECD و انجمن مالی بین‌المللی نام برد. برخی دولت‌ها نیز مطالعات مستقلی را در این زمینه انجام می‌دهند. البته پیش‌بینی میزان موفقیت این گونه کوشش‌ها کار آسانی نیست، اما شروع و ادامه کار در این زمینه از ضرورت بسیار بخوردار است، زیرا بدون آن ممکن است در آینده نه چندان دور شاهد بروز نارسائی‌های بسیار در سیستم مالیاتی بین‌المللی گردیم، که این سیستم با وجود تواقصی که دارد تاکنون نقش شایسته‌ای در رفع مشکلات اقتصاد جهانی ایفاء نموده است.

خدمات و اطلاعات مورد بحث نیز دشواری‌های زیادی وجود دارد. فرض کنید در همان مثال مربوط به اشکال زدایی از نرم‌افزار مورد معامله، مشتری مقیم آرژانتین باشد و خدمات از طریق سه کارشناس مقیم آلمان، آمریکا و ژاپن ارائه شود. حتی بدون درنظر گرفتن مشکلات عملی کنترل پرداخت‌ها و دشواری‌های مشابه آن، صرفاً از نظر قانونی پی بردن به این نکته که هر یک از این کارشناسان به چه نسبت در رفع اشکال قضیه مؤثر بوده‌اند، بسیار مشکل می‌باشد.

اوپرای واحوال موجود حاکی از آن است که رفع این گونه مشکلات مالیاتی که از وجود اینترنت و روابط کامپیوترا ناشی می‌شود، لائق تاکنون با دشواری همراه بوده و پاسخ و رویه مناسبی هنوز در این زمینه شکل نگرفته است. بنابراین سیستم‌های مالیاتی موجود ناچاراند یک دوره تطبیق با شرایط جدید را از سر بگذرانند، که این جریان هم اکنون تا حدودی آغاز شده است. کشورهای جهان باید تصمیم بگیرند که این فرآیند تطبیق و تعديل را با حفظ موازین و نهادهای مالیاتی موجود انجام دهند یا با کنار نهادن آنها و توصل به نوآوری‌هایی که آنان را در این طریق یاری دهد. اتخاذ هر یک از این دو شیوه مستلزم پژوهش و بررسی و گذرانیدن مراحل آزمایشی متعدد است.

در این میان یک نکته مسلم است و آن این که همکاری بین‌المللی بلا تردید جهت یک گذار آرام و

ایام مرخصی استفاده نشده

محمد حسین سید زمانی

می دارد: «درآمدی که شخص حقیقی در خدمت شخص دیگر (اعم از حقیقی یا حقوقی) در قبال تسليم نیروی کار خود با بت استغال در ایران حسب مدت پا کار انجام

یافته به طور نقد یا غیر نقد تحصیل می کند مشمول مالیات بر درآمد حقوق است»

به همین سبب از حيث مالیاتی چنین درآمدی تابع احکام همین

دریافتی کارکنان با بت خدمتی که طی ایام مرخصی استفاده نشده خود انجام می دهد، مبنی بر قرارداد (هرچند شفاهی) جداینهای است که بین آنان و کارفرما برای این گونه خدمت خاص منعقد می شود.

در بسیاری از شرکت‌ها و مؤسسات رسم بر این جاری است که کارفرمایان می‌توانند در صورت نیاز و موافقت کارکنان، از اعطاء مرخصی استحقاقی به ایشان خودداری کرده و در ازاء استفاده از کار آنان طی ایام مرخصی، حقوق و مزایای معمول چنین افرادی را همانند اوقات دیگر سال پرداخت نمایند. این گونه پرداخت قطعاً مشمول عنوان «درآمد حقوقی» مذکور در

بخش از باب سوم قانون مالیات‌های باشد. اما درآمد حقوق مذکور در فصل سوم یادشده خود به دو نوع مشخص تقسیم می‌شود که یکی تسلیم نیروی کار حاصل می‌گردد. متن ماده ۸۲ قانون مذکور که راجع به همین مقوله است، مقرر

فصل سوم از باب سوم قانون مالیات‌های مستقیم می‌باشد، زیرا درآمدی است که در ازاء تسلیم نیروی کار حاصل می‌گردد. متن ماده ۸۲ قانون مذکور که راجع به همین مقوله است، مقرر

مزايا برخوردار است. ماده ۸۲ از همان فصل می‌گويد:

«درآمد مشمول ماليات حقوق عبارت است از حقوق (مقرري يا مزديا حقوق اصلی) و مزايا مربوط به شغل اعم از مستمر و يا غير مستمر قبل از وضع كسور و پس از کسر معافيات هاي مقرر در اين قانون»

عبارات اين ماده به روشنی تقسيم بندی مذکور را بيان می‌دارد. «درآمد حقوقی» ايمام مرخصی استفاده نشده به شرحی که ذکر كردیم، می‌تواند مصدق يکی از دو حالت زیر باشد:

حالات اول آن است که مجموع مبلغ دريافتی کارکنان در ازاء ادامه کار طی دوران مرخصی را نوعی مزايا تلقی کنیم. چنان برخوردي با قضيه مورد بحث منطقی به نظر نمی‌رسد. برای اثبات این مطلب باید به واقعیت پرداخت مورد بحث توجه نمود. با اندکی دقت می‌توان پی بردن که مبلغ پرداختی ماهیتی جز مابازاء کار انجام شده از سوی کارکنان طی ايمام مرخصی ندارد. اين مشابه آن است که شخص دیگری را برای انجام همان کار طی همان مدت به طور جداگانه استخدام کنند. چنان خدمتی پيش از آن که هسبت مزايا به ميان آيد، مستلزم دريافت مستمزد يا حقوق اصلی است، هر چند که طبعاً منعی ندارد علاوه بر مستمزد اصلی مبلغی هم تحت عنوان مزايا به کارکنان مربوط، بابت همان

باين بكارگر برای انجام خدمت طی ايمام مرخصی استحقاقی وي می‌باشد. به بیان ديگر يك قرارداد (هرچند شفاهی) جداگانه بین کارفرما و کارکنان برای اين گونه خدمت خاص منعقد می‌شود که به يك دوره معين یعنی زمان مرخصی کارکنان مرتبط است و پرداخت مورد بحث نيز في الواقع بر اساس همين قرار و مدار میان کارمند و کارفرما تابعه می‌گردد.

با اين بيان تکليف مالياتي قضيه نيز روشن می‌شود. رفتار مالياتي در اين مورد خاص نيز باید همانند دوران معمولی و غير مرخصی کارمند یا کارگر ذریبطة صورت پذيرد، یعنی آن قسمت از دريافتی کارکنان بابت کار ايمام مرخصی که حسب المعمول جنبه حقوق اصلی را داشته کماکان به همين عنوان تلقی شود و نسبت به بخش ديگر یعنی قسمت مزايا نيز همانند ماههای قبل احکام مربوط به نوع مزاياي مربوط جاري گردد. اين گونه رفتار طبعاً موارد معافيت مربوط به انواع معين مزايا را نيز شامل خواهد گردید که از آن جمله می‌توان به انواع مزاياي معاف از ماليات مذکور در بند ۶ ماده ۹۱ قانون ماليات های مستقيم اشاره کرد (هزينه سفر، فوق العاده مسافرت مربوط به شغل، ... و سایر مزاياي ذكر شده در همان بند)



معرفی کتاب

برنامه ریزی ریاضی

تألیف: دکتر علی اکبر عرب مازار

از انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶، هیجده + ۵۸۰ صفحه

بها: ۱۳۰۰۰ ریال

مسائل را باید با روش‌های بسیار کارآبری حل کرد که برای همین منظور طراحی شده‌اند. در طول تاریخ ریاضیات، مجموعه‌های از این روش‌های ویژه ارائه شده است که بعضاً به فراموشی سپرده شده و برخی نیز با اختراع و کاربرد وسیع کامپیوترها از لحاظ محاسباتی امکان‌پذیر گشته‌اند و اکنون مورد استفاده قرار می‌گیرند. هدف این کتاب ارائه مجموعه‌ای از این روش‌های ویژه است که تحت عنوان «برنامه ریزی ریاضی» مشهور هستند و بعضاً آنان را فنون پژوهش عملیاتی یارو‌سازی کمی در مدیریت

برنامه ریزی ریاضی زیرمجموعه‌ای از فنون بهینه‌سازی است. بهینه‌سازی فرآیندی است که با آن می‌توان

بساخ بهینه مسائل گوناگونی را تعیین کرد.

نظریه بهینه‌سازی ماهیتاً یک زمینه علمی ریاضی

بوده و معمولاً شامل بیشینه یا کمینه کردن

یکتابع است که مین

عملکرد یک سیستم

است.

بعضی از مسائل

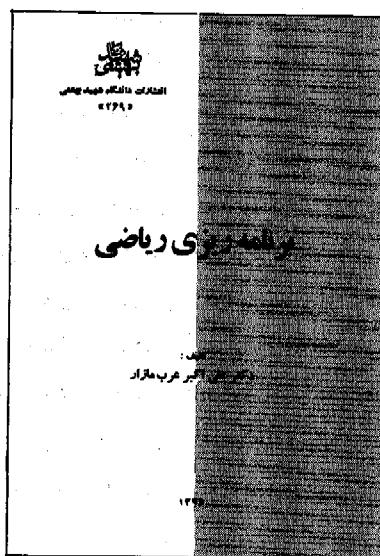
بهینه‌سازی را می‌توان از

طریق فنون کلاسیک

حساب پیشرفته، از قبیل

روش‌های ژاکوبی و

ضرایب لاگرانژ حل کرد. اما این روش‌ها برای حجم نیز می‌نامند. وسیعی از مسائل بهینه‌سازی مناسب نیستند. این‌گونه مطالب این کتاب به صورت جزوای درسی طی



مجموعه کاملاً از مثالهای حل شده و تمرینها در این کتاب آورده شده است. به علاوه از آنجا که مطالب پنج فصل اول کتاب اصولاً برای دوره‌های کارشناسی کاربرد دارد، نمونه سوالات آزمونهای ورودی دوره‌های کارشناسی ارشد دانشگاههای کشور نیز به مقتضای هر فصل در انتهای تمرینها ارائه گردیده است تا بتواند مورد استفاده داوطلبان شرکت در این آزمونها قرار گیرد. از سوی دیگر کلیه مطالب ینحوى نگارش یافته‌اند که خودآموز باشند.

عنوانین فصول اصلی کتاب (از فصل اول تا دهم) به قرار زیراند: تعریف و تدوین مسائل بهینه‌سازی، برنامه‌ریزی خطی، روش سیمپلکس، مباحثی دیگر در برنامه‌ریزی خطی، مسئله تراپری، برنامه‌ریزی با اعداد صحیح، تحلیل شبکه‌ای، زمانبندی و کنترل برنامه، برنامه‌ریزی غیرخطی، برنامه‌ریزی پویا.



ده‌سال گذشته در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاههای مختلف کشور به ویژه دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی و دانشکده امور اقتصادی تدریس شده است. لذا با توجه به تجربیات حاصله، موضوعات مطروحه اصلاح و تعدیل شده و اشکالات آن تا حد ممکن بر طرف گردیده است. اگرچه عنوان کتاب و محتوای آن به بررسی موضوعی گروهی از روشهای بهینه‌سازی ریاضی اختصاص دارد. ولی مطالب ارائه شده عنوانین برنامه‌های مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی برای درسها ای از قبیل پژوهش عملیاتی، روشهای مقداری در بازارگانی، و برنامه‌ریزی ریاضی، در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های مختلف علوم انسانی، مهندسی، و علوم را در بر می‌گیرد. در نتیجه این کتاب می‌تواند مورد استفاده طیف گسترده‌ای از دانشجویان و دانشپژوهان قرار گیرد.

پد نیست پدانید که

در کشور هلند در آمد مالیاتی حدود یکصد و شصت میلیارد گیلدر است که ارزش هر گیلدر قریب به یک مارک آلمان است. علاوه بر این حدود شصت میلیارد گیلدر به عنوان بیمه‌های اجتماعی وصول می‌شود که در جهان غرب غالباً هر دیف مالیات تلقی می‌گردد. تعداد کل کارکنانی که وظیفه شناسائی، تشخیص و وصول مجموع این ارقام (۲۲۰ میلیارد گیلدر) را بر عهده دارند، حدود ۲۹۰۰۰ نفر است. سازمان مالیاتی هلند یک بانک اطلاعاتی کامپیوتری در اختیار دارد که اطلاعات مالیاتی ۵ میلیون شخص حقیقی و ششصد هزار (۶۰۰/۰۰۰) شرکت را شامل می‌یاشد. این در حالی است که کل جمعیت هلند به ۱۶ میلیون نفر نمی‌رسد. مرکز کامپیوتری سازمان مالیاتی به طور متوسط هر ساعت ۶۰۰۰ برج مالیاتی صادر می‌کند که طول کاغذهای خارج شده در سال به ۳۶۰۰۰ کیلومتر بالغ می‌گردد.

مالیات اجاره بیانی املاک کوچک

واژگونی از مالیات اجاره بیانی املاک کوچک

فاطمه عبدالله

از این وضع به شرح زیراند:

- مالکان یادشده به سبب ناداری و کمبضاعتی از پرداخت مالیات امتناع می‌ورزند و همه کوشش خود را برای گریز از مالیات به کار می‌برند که ناگفته پیداست منشاء چه دشواریهایی برای خود ایشان و حوزه‌های مالیاتی خواهد بود؛

- به فرض آنکه تثبت و تقلای موجر چندان نتیجه‌هایی به بار نیاورد و ناگزیر از پرداخت تمام یا بخشی از مالیات متعلق گردد، تردیدی نخواهد بود که تمام سعی خود را به کار خواهد برد تا بار مالیاتی را از دوش ناتوان خود برداشته و بر گرده ناتوان تر مستأجر بیاندازد، و حتی در اکثر موارد پرداخت مالیات را به عنوان سرمایه‌گذاری از سوی خود تلقی کرده و سود

مضاعفی بایت آن از اجاره‌نشین خویش مطالبه نماید؛ - برخی از مالکان این گونه ممتاز به ارفاق مندرج در ماده ۵۶ قانون مالیاتهای مستقیم توسل می‌جویند که طبیعی است سبب معافیت بخش قابل توجهی از مالیاتهای مربوط می‌گردد. به موجب این ماده «در

پیرامون بازدهی مالیاتی از دوران آدام اسمیت تاکنون سخن بسیار گفته شده و کمتر کسی است که لزوم مناسب بودن هزینه و نیروی صرف شده برای اخذ مالیات با درآمد حاصل از این بابت را انکار کند، به ویژه که پیرایه دیگری در زمینه ملاحظات اجتماعی و انسانی بر آن بار باشد و مزید بر علت گردد. مسئله اخذ مالیات از املاک کوچک مناطق کم درآمد شهرها از این مقوله است. خانه‌های محقری از این قبیل غالباً شامل دو طبقه بسیار کوچک با متراز ۳۰ الی ۴۰ متر و با عرصه‌ای بین ۶۰ تا ۷۰ متر می‌باشند و مالکان آنها به علت فقر مالی یک طبقه از چنین خانه‌هایی را به افراد فقیرتر از خود واگذار نموده و مبلغی به عنوان اجاره‌های دریافت می‌دارند.

طبیعی است که درگیری مراجع مالیاتی با انسیوه موجرانی که وضعشان از این قرار است مشکل‌آفرین و زحمت‌افزا است و امکانات صرف شده نمی‌تواند با آنچه از این بابت به طور خالص عاید خزانه دولت می‌شود تناسب داشته باشد. پاره‌ای از معضلات ناشی

صورتی که مالک قسمتی از محلی را که در آن سکونت دارد جهت سکونت به اجاره واگذار نماید، تا سی‌هزارریال مال الاجاره ماهانه ذریافتی» وی از این بابت از تعلق مالیات معاف خواهد بود؛ و - اکثر این افراد با همسران خود شریک هستند و در نتیجه همسران آنها به سبب نداشتن درآمد دیگری از بخشودگی مالیاتی مربوط استفاده می‌نمایند.

بزرگ صرف شود، چندین و چند برابر این مبالغ وصول خواهد شد. بحث راجع به درآمد دلاری موجران بزرگ به رغم این اوضاع و احوال که پر از عوامل منفی و بازدارنده و از نظر اجتماعی ناخوش‌آیند است، مأموران مالیاتی باید انرژی و وقت خود را به نحو فرساینده و متزايدی مصروف دارند و منابع مالی و امکانات سازمان مالیاتی را نیز همراه آن به شکل متراکمی صرف نمایند. به آسانی پیداست که واگرد این دادوست نامتناسب تا چه حد می‌تواند ضعیف و ناچیز باشد. در نتیجه عملاً می‌بینیم با وجود اتفاق وقت و نیروی ممیز مالیاتی که شامل مراجعته به محل و انجام بازدید،



یک خبر شنیدنی برای کسانی که با قانون سروکله هیزند

آن‌هایی که کارشان اجرای قانون است و به این اعتبار باید آن را تفسیر و حلچی کنند، قطعاً برایشان جالب خواهد بود که از نظر اخیر شورای نگهبان با خبر شوند. دولت از شورای نگهبان استقسماً می‌کند که اگر این شوری قانونی را تفسیر کند، آثار اجرائی چنین نظری از چه زمانی خواهد بود؟ آیا باید آن را از زمان تصویب و اجرای قانون مورد تفسیر قابل اجرا دانست، و یا این که باید از تاریخ اظهار نظر خود شوری به آن عمل نمود؟ شورای نگهبان با وجود تاکید بر این مطلب که «منقول از تفسیر بیان مراد مقتضی است»، اظهار نظر نموده است که «تفسیر از زمان بیان مراد مقتضی در کلیه موارد لازم‌الاجراست بتنا براین در مواردی که مربوط به گذشته است و مجریان برداشت دیگری از قانون داشته‌اند و آن را به مرحله اجرا گذاشته‌اند تفسیر قانون به موارد مختومه مذکور تسری نمی‌باید».

شکوئیه‌ای لز دوران قاجار

پیامون یک حواله مالیاتی

در شماره هشتم مجله مالیات (صفحات ۲۸ و ۲۹) گفتیم که صدور حواله‌های مالیاتی از گذشته‌های دور مرسوم بوده و تا دوره‌های اخیر و حتی پس از استقرار مشروطیت ادامه داشته است. حواله مالیاتی نوعی دستور پرداخت یا براتی بوده که عهده مستوفیان و کارگزاران مالیه ایالات و ولایات صادر می‌شده است. صدور حواله یا برای یک بار و به مبلغ معینی صورت می‌پذیرفته و یا بر اساس آن نوعی مستمری در وجه ذینفع برقرار می‌شده که در مواردی حتی پس از فوت او حق استفاده به ورا ث انتقال می‌یافته است.

نمونه دیگری از این گونه حواله‌ها سندی است که تصویر آن را در این شماره از مجله مالیات ملاحظه می‌نمایید. این سند شکایتی است از طرف وزرثه محمدحسن میرزا شاهزاده قاجار که تقدیم وزیر داخله (وزیر کشور) وقت شده است. سبب تسلیم عربیه به وزارت داخله (و ته وزارت مالیه یا دارائی) آن بوده است که شکایت از حاکم (فرماندار) گلپایگان و کمره به عمل آمده و این مقام مانند زمان حاضر تابع وزارت کشور بوده است. حاکم گلپایگان و کمره ظاهراً دارائی محلی را تحت فشار قرار داده بوده که مستمری پرداختی به ورثه شاهزاده قاجار را بازپس گرفته و در اختیار او قرار دهند. متن سند که مربوط به سال ۱۳۲۷ هجری قمری است به شرح زیر می‌باشد:

وزارت داخله
سجاد ورثه مرحوم محمدحسن میرزا
مورخه ۲۳ قوس ۱۳۲۷
نمره ۱۵۶۸۳

«سالهای سال است که بر حسب فرمان سالی دویست و چهل تومان مواجب در محل کمره در کتابچه دستور العجل ولايتی در حق این یک مشت خانه زادگان منظور شده و تمام معیشت و زندگانی ما بهمین جزئی می‌گذرد. چهار ماه قبل که حکومت با نواب والا شاهزاده معتقد‌السلطنه بود به توسط و کارگزاری بندگان حاجی عباسقلیخان نایب‌الحکومه تومانی دو ریال کسر گذاشت، مابقی را عاید داشته در صورتی که به همین میزانها مقروض و این سر زمستان پریشان هستیم. دو روز قبل بندگان

حاجی عباسقلیخان مرقوم فرمودند بر حسب امر و حکم آقای ناصر لشگر حاکم گلپایگان و کمره باید این پول را پس بدھید از آنجائی که مالک الرقاب هستید ناچاراً ملتجمی به آستان مبارک می شویم. چنانچه این حکم که ناصر لشگر فرمودند که مواجب خانه زادان مقطوع است انا لله و انا الیه راجعون امر اهل میان است. (مهر وزارت داخله) سواد مطابق اصل است.



وزارت داخله

داد در رحم خواص ندا.

۱۳۸۴ دی ۲۳

۱۵۶۱۴

بررسی است بحسب فون سایدست و مهر زاده برجست دلخواه دلخواه

در تیر و سده تیر و سده بهمن شاه فخر رش و فخر هیئت وزیری داد و سی فروردین خواه

فخر و خوب است برابر داد و سی فخر و خوب و خوب و خوب و خوب و خوب و خوب و خوب

زدن و داد و داد

هم و داد و داد

و داد و داد و داد و داد و داد و داد و داد و داد و داد و داد و داد و داد و داد و داد

و داد و داد و داد و داد و داد و داد و داد و داد و داد و داد و داد و داد و داد و داد



قوانين مالیاتی و خریداران املاک با اسناد عادی

حسین ورزکاری مقدم

حال سؤال این است که آیا در چنین موقعی مالیات باید مطالبه شود؟ و اگر مورد مشمول مالیات است، آیا اطلاق عنوان مالیات اجاری به آن صحیح است؟ و اگر صحیح است چه کسی باید آن را پرداخت کند؟ قبل از این که به سؤالات فوق جواب داده شود بهتر است معایب و محسن تنظیم وکالتname را، هم برای خریدار و هم برای فروشنده، بررسی نماییم.

محاسن

- بعضی از زمین‌هایی که از طریق تعاونی‌های مسکن به اشخاص واگذار می‌گردند فاقد سند رسمی بوده و یا

صدر سند رسمی مدتی به طول می‌انجامد.

- برخی از زمین‌ها فاقد سند بوده و یا سند آنها تفکیک نشده است.

- برخی از املاک وام بانکی دارند و خریدار ترجیح می‌دهد که چنین ملکی را بخرد و یا به دلیل کسری پول این کار را می‌کند.

- برخی از فروشنده‌گان قصد تعویض محل اقامت خود را دارند که به دلیل ضيق وقت و یا نیاز به پول ترجیح می‌دهند که ملک خود را با تخفیف بفروشند.

- برخی از فروشنده‌گان بدھی مالیاتی دارند و از عدم آگاهی خریدار سوء استفاده نموده و برای جلب او ملک را با تخفیف بیشتری می‌فروشند.

یکی از مشکلاتی که در امر وصول مالیات وجود دارد و بین مددیان مالیاتی و مأموران تشخیص و وصول مالیات اختلاف ایجاد کرده، موضوع خریداران املاک غیر ثابتی است. روای کار به این شکل است که برخی از مددیان مالیاتی بنا به دلایلی که خواهد آمد هنگام خرید زمین یا ساختمان بعد از تنظیم مایعه نامه در بنگاه‌های معاملات ملکی به جای سند رسمی متدالوں که از طریق سازمان ثبت اسناد صادر می‌گردد به تنظیم وکالتname بعد از انتقال اکتفا نموده و موقع انتقال سند به نام خریدار دچار مشکل می‌شوند.

اختلاف بین مددیان و مأموران مالیاتی زمانی بروز می‌کند که مددیان مالیاتی جهت انتقال سند به نام خود به دفاتر اسناد رسمی مراجعت نموده و با ارائه وکالتname رسمی ادعا می‌کنند که از طرف مالک وکالت بلاعزال دارند و می‌خواهند ملک را به نام خود منتقل نمایند. اینجاست که اداره دارایی در جواب استعلام دفترخانه جهت صدور مفاصیحساب مالیاتی، مددی را به دلیل نداشتن سند مالکیت رسمی، مستأجر تلقی نموده و صدور مفاصیحساب را منوط به پرداخت مالیات بر درآمد اجاری عنوان می‌کند. فیش پرداخت مالیات به نام مالک اصلی سند صادر می‌شود که در نهایت خریدار وکالتی باید آن را پرداخت نماید.

عوامل فوق پاره‌ای از موجباتی هستند که ممکن است توسل به شیوه تنظیم وکالتانه را از نظر طرف‌های معامله توجیه کند.

معایب

- وکالتانه فقط در زمان حیات طرفین دارای اعتبار می‌باشد.

- تغییرات هزینه‌ها مثل هزینه‌های دفترخانه و تغییرات نرخ‌های مالیاتی مشکلاتی را برای خریداران ایجاد می‌کند.

- خریداران مشمول مالیات اجاری، بساز و بفروشی و احیاناً پرداخت بدھی‌های قبلی فروشده می‌شوند. پس از این مقدمه یاداور می‌شویم که خریداران وکالتی به هر حال مشمول مالیات می‌باشند و مالیات متعلقه باید پرداخت گردد. در باب این که چنین افرادی چرا مشمول مالیات هستند، می‌گوییم که در اینجا دو خالت قابل تصور است:

حالت اول این که قبلاً انتقالی صورت نگرفته و انتقال فعلی واقعی می‌باشد. در این صورت خریدار وکالتی در مدت اقامت در ملک، مستأجر بوده و ضمن پرداخت مالیات اجاری، مالیات نقل و انتقال را نیز پرداخت می‌کند.

حالت دوم: این است که انتقال قبلاً صورت گرفته و انتقال فعلی فقط نوعی شکل قانونی بخشیدن به آن است. در این صورت می‌توان گفت که معامله ثانی جنبه صوری داشته و واقعیت امر و رابطه حقوقی نقل و انتقال همان است که قبلاً واقع شده است. امکان نادیده گرفتن ظواهر امر در مسائل مالیاتی و توجه به واقعیت روایط، بنا به اصل یا قاعده «ماهیت فوق شکل» در بسیاری از کشورها مجاز شناخته شده است. به موجب این قاعده اگر معامله یا ترتیبات معینی حادث شود که از حیث صورت و شکل قانونی، مصدق

عنوان حقوقی معینی باشد ولی در ماهیت و بطن امر از حقیقت دیگری حکایت کند، باید آن ظاهر حقوقی را کنار گذاشت و ماهیت مسئله را ملاک داوری دانست. حالت دوم بیشتر با واقعیات قضیه تطبیق دارد، لذا در چهارچوب قواعد حاکم بر تفسیر مقررات مالیاتی، مطالبه دیر کرد مالیات انتقال یا انتقالات متعدد بهتر از مطالبه مالیات بر درآمد اجاری است زیرا حقیقت این است که روابط موجر و مستأجری در اصل وجود نداشته است. ضمناً به استناد ماده ۶۱ قانون مالیات‌های مستقیم، در زمان انتقال غیر رسمی نیز مالیات‌های نقل و انتقال باید پرداخت شود که نشده است و همچنین در صورت حذف مالیات بر اجاره، احتمال می‌رود که از مسائل و مشکلات مراجعة به هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی نیز کاسته شود.

در این راستا لازم به ذکر است که در فاصله انتقال وکالتی با انتقال قانونی ممکن است انتقالات متعددی صورت گیرد که در صورت وقوع چیز امری باستناد تصریه ۳ ماده ۵۹ مالیات نقل و انتقال جداگانه قابل مطالبه است.

در اینجا پیشنهاد می‌شود در صورت اثبات این مطلب که انتقال سند خارج از اختیار مؤبدی بوده است می‌توان از جرائم مورد نظر چشم پوشی نمود. و همچنین اگر تنظیم مبایعه نامه نیاز به مقاصصاب دارایی داشته باشد باستناد ماده ۶۱ قانون مالیات‌های مستقیم می‌توان مالیات نقل و انتقال را به موقع دریافت نمود.

نکته مهم دیگر این که سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به استناد مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون مربوط به خود، بدون مطالبه مقاصصاب مالیاتی برخی املاک را انتقال داده و سند صادر می‌نماید که در این صورت وصول بدھی‌های مالیاتی ملک از مالک جدید دچار مشکل شده یا احیاناً سوخت می‌شود.

مالیات نقل و انتقال را غلط ننویسیم

مهندسان مهران سمسار

نسبتیهای مالیاتی آن، متراژهای عرصه و اعیان و مشاعرات غلط باشد. علی الخصوص که گزارش قابل استفاده قانونی نیست، چون نه شماره دفتر اندیکاتور دارد و نه مهر ممیز مربوطه و نه تأیید سرممیز وقت. لهذا با اندکی تأمل و وقوف بر این گزارش به حقیقت و صحت آن شک برد. معهدها طبق تحریباتی که آموخته بود در طی سالهای متعددی، به اصطلاح زیر پرونده را بلا زد و برگه‌های گزارش نقل و انتقال و سایر گزارشها و پلاک ثبتی مندرج در فنوتکپی سندهای قبلی و نام بنجاقها و همه چندوچون پرونده را زیر و رو کرد تا اینکه تقریباً در انتهای پرونده و پس از برگه‌های واحدیابی چشمش به جمال صورتمجلس تفکیکی او لیه که بسیار پررنگ و خوب گرفته شده بود افتاد. بلا فاصله نسبتیهای عرصه و اعیان و مشاعرات گزارش (۲۰) بیست سال پیش را با آن چک نمود و از قضا پی برد که تمام نسبتها غلط و غیرواقعی است و سپس نسبتها را به روش معمول قدرالسهم گیری انجام داد و مشاهده گردید که این گزارش نه تنها از حيث متراژهای عرصه و اعیان اشتباه دارد بلکه نسبت و تناسب آن نیز غلط است.

بالاخره ممیز خیالی ما با استفاده از صورتمجلس قدیمی و تطبیق آن با صورتمجلس ناخوانای جدید و تطبیق پلاک ثبتی سند مادر و مقاصای آن و سند فعلی و

روزی نه چندان دور ممیز خیالی ما مشغول محاسبه گزارش نقل و انتقال جهت انتقال یک دستگاه آپارتمان بود. از قضا یا بخت بد متوجه شد که صورتمجلس تفکیکی که اساس نقل و انتقال را تأمین می‌کند و تمام نسبتیهای مختلف مانند قدرالسهم عرصه و قدرالسهم اعیان و قدرالسهم مشاعرات اعم از مفید و غیرمفید همگی بستگی به آن دارد، خوانا نیست و بد زیرا کس شده است. طبق روش معمول به گزارش نقل و انتقال قبلی این آپارتمان که حدود ۲۰ سال پیش صورت گرفته بود مراجعته نمود. و متراژ و نسبتیهای صدرالاشارة را از آن اخذ نمود و متراژ عرصه و اعیان و قدرالسهم‌های مربوطه را از آن گزارش اخذ کرد و مسرور گردید که این مهم را بالآخره بدون زحمت دادن به مؤذی که می‌بايستی به همسایگان و دفاتر استاد رسمی که معامله قبلی در آن انجام شده است مراجعته نماید، توانسته است کار را راه بیندازد، از طرف دیگر، مشاهده شد که گزارش نقل و انتقال ۲۰ سال پیش نه شماره ثبت دفتر اندیکاتور دارد و نه مهر ممیز مربوطه که باعث شدتیت آن گزارش می‌شود و تنها خطی تحت عنوان اعضاء زیر آن مشاهده می‌شود. ولیکن ممیز خیالی ما به این اکتفا نمود و در میان کار و پس از انجام گزارش نقل و انتقال اندکی تأمل نمود و با فهم و درایت خود به شک افتاد که نکند این گزارش و تمامی

فوکپی‌های قبلی و انجام تمام چندوچون پرونده که بالاطلاعی بود از شنیدن داستان مسروش و طبق روش موردنیاز بود، گزارش صحیح با دو یا سه بار محسابه قدمابه وی گفت: پاداش افزایش یافت. زحمت دقیق نگاشت و بخدمت سرمیز مربوطه برد. کشیدی کار را درست انجام دادی، مورد تحسین و سرمیز مربوطه که آدم جهان دیده و باتجربه و رضایت خاطر ماست...

از: طنّاز

شرکت‌های کم‌سرمایه

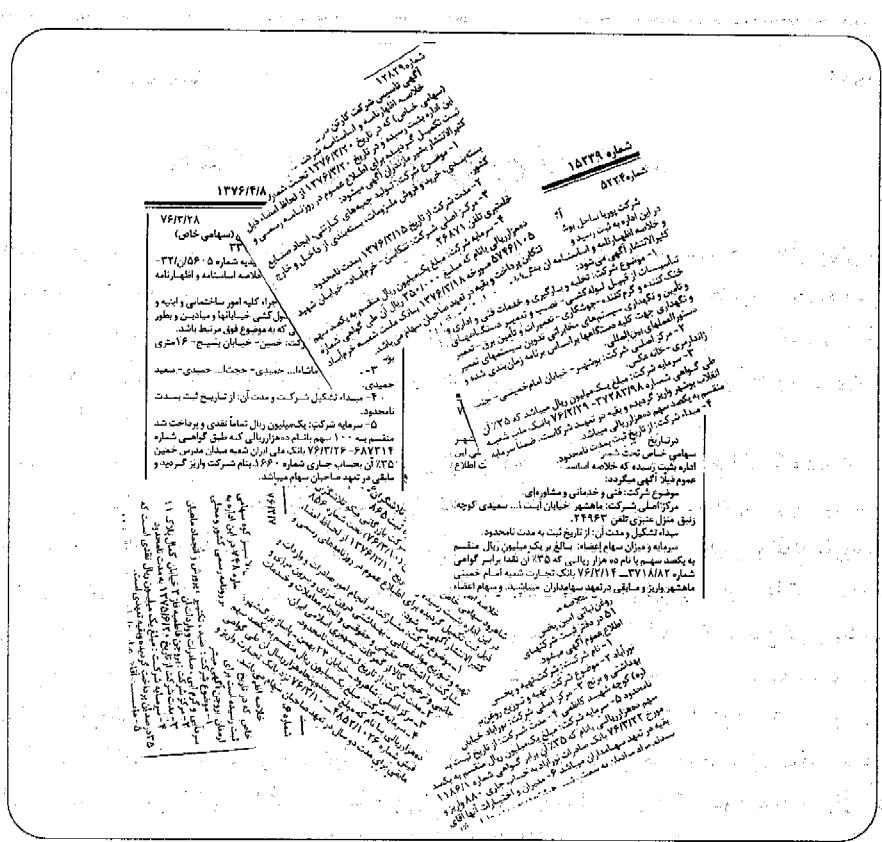
بعد از این تاجر ارزان

شما یادتان نمی‌آید، اما آن‌هایی که مثل من عمر نوح کرده‌اند حتماً به‌خاطر دارند که حدود چهل سال پیش در و دیوار دارالخلافه، نه مثل امروز گل و گشاد، آن روزها پر بود از آگهی‌هایی که یک جادو و جنب‌چی معروف هزینه نوشتند آن‌هارا پرداخت کرده‌بود: «بعد از این تاجر ارزان ارزان». استاد همه کاره نشانی منزل خود را هم زیر آگهی جداده بود تا هر کس بخواهد مفت و مسلم و با دادن نیاز مختص‌ری به ایشان تاجرباشی شود و ارج و قربی پیدا کند، سراغ حضرت آقا برود.

امروز بعد از این همه سال‌ها می‌بینیم که تاجرباشی شدن از این هم ساده‌تر است. مثلاً شما اگر یک دست کت و شلوار یا قدری خرت و پرت منزل خود را بفروشید، و یا مثلاً فقط ۱۰، ۱۲ کیلو موز داشته باشید، می‌توانید شرکت تاسیس کنید و یک اسم قلمبه سلمبه روی آن بگذارید و به عنوان «مدیر عامل» به همه فیس و افاده بفروشید. اما می‌گویید از کجا این حرف را می‌زنم؟ علت آن این است که عادت جدول حل کردن را تازگی‌ها ترک کرده‌ام و به‌جای آن به چیزهای پیش پا افتاده، مثل آگهی‌های روزنامه‌ها خیره می‌شوم. شما هم اگر همین کار را بکنید، و مثلاً آگهی‌های روزنامه رسمی را یکی یکی مرور کنید خیلی راحت به همان نتیجه‌های می‌رسید که عرض کردم. من که از این «روشن تحقیق!» استفاده کردم، در هر شماره روزنامه به آگهی تاسیس تعداد زیادی شرکت بپخوردم که سرمایه‌آن‌ها فقط صد هزار تومان بود. تازه تصور نکنید که همین پول ناقابل هم به صندوق شرکت مرحمت شده است. بسیاری از آن‌ها تنها ۳۵ درصد سرمایه را پرداخته و بقیه را به این عنوان که «در تعهد صاحبان سهام می‌باشد» به سر خرمن حواله کرده‌اند. برای نمونه در شماره ۷۶/۴/۸ آگهی تاسیس ۱۹ شرکت به چشم مبارکتان می‌خورد که سرمایه همه آن‌ها فقط صد هزار تومان است. از این تعداد ۱۰ تای آن‌ها همان‌هایی هستند که سی و پنج هزار تومان نقداً پرداخته و باقی را به آینده موكول کرده‌اند. این فقط محصول یک شماره روزنامه بود و تازه در همین شماره تعداد دیگری از شرکت‌ها هستند که همین ماجری را با سرمایه‌های کمی بیشتر دنیال کرده‌اند.

البته خدای نکرده منظور ما این نیست که تشکیل شرکت با سرمایه ناچیز خلاف قانون است و یا این که بخواهیم بگوئیم به اصطلاح «تخلفی واقع شده»، بلکه قصدمان گفتن چند چیز است: اول این که آیا وقت آن نرسیده که به فکر درست کردن قانون بیافشیم؟ به نظر شما، تشکیل شرکت با سرمایه صد هزار تومان - که شصت و پنج هزار

تومان آن هم به وعده و عیید برگزار شده - یا زندگی امروز مملکت می خواند؟ یکی دیگر داستان مسئولیت شرکاء در برابر مردم است. این شرکت‌ها تقریباً بدون استثناء از قیماش «با مسئولیت محدود» یا حد اکثر «سهامی» هستند. شما که بهتر از من معنی این حرف‌هارا می فهمید. چند درصد مردم به صرافت می افتد - یا رویشان می شود - از مدیر شرکت پیرسند آقا بی‌رحمت بفرمائید سرمایه شما چقدر است؟ و مگر نه این است که مسئولیت شرکا به اصطلاح محدود به همان سرمایه ناجیز آن‌ها است و بابت بقیه مطالبات



(اگر نشود ثابت کرد که تخلیفی صورت گرفته) حرجی بر کسی نیست؟ با این اوصاف آیا لازم نیست که مصلحت طرف‌های معامله با شرکت هم از همان اول کار تا حدی در نظر گرفته شود و خلاصه این که حداقل سرمایه بالا برود؟

نکته بعدی راجح به جنبه مالیاتی قضیه است. به نظر شما، آیا در این ماجری مساله یا مشکل مالیاتی نمی‌تواند بروز کند؟ آیا نکته مالیاتی محرك اصلی حضرات در تاسیس چنین شرکت‌هایی نیست؟ و اگر نکته و مساله‌ای هست، آیا پیش‌بینی‌های مناسبی برای مقابله با این وضعیت به عمل آمده است؟ این جنبه‌ها را به بحث می‌گذاریم تا خوانندگان با ذوق و اهل خبره مجله مالیات ما را به قول امروزی ها با نظرات خود ارشاد کنند.

جایگاه اجتماعی مالیات

عبدالرضا شفیعی

انسان‌ها هستند که جو اجمع بشری را به حرکت درمی‌آورند و اگر در جامعه‌ای انسان‌هایی لایق و شایسته و فهیم وجود داشته باشند که انگیزه‌های واحدی را رشد و نمود دهند پیشرفت فکری و صنعتی آن جامعه بسیار سریع و در جهت انگیزه‌های مشترک آنان خواهد بود.

تشتت آراء و عدم هماهنگی فکری در یک مقوله هرگز نمی‌تواند پیشرفت سریعی را برای اجتماع موردنظر به همراه داشته باشد، بطور مثال طرز فکر مشترک مردم در مقابله با دشمن خارجی وحدت و پکارچگی آنان است، گاه این گوشه وحدت فکری تابع شرایط خاص اجتماعی و یا سیاسی است و گاه نیازمند تبلیغات و القاء یک

۱- این تفکر و احترام مربوط به کسانی نمی‌شود که از مالیات گریزان هستند زیرا هر قانونی اگر چه احترام به حقوق افراد را باید محترم شمرد ولی در برخورد با خاطری باشیستی دارای ابزار قدرت و ضمانت اجرایی نیز باشد.

تنها وجود یک دستگاه کارآمد و سالم مالیات گیری که مبتنی بر اصول و موازین حقوقی باشد کفاایت اخذ مالیات را به کمال نمی‌رساند، امروزه که قدرت دولت‌ها در پناه ابزارهای گوتاگونی نهفته است دیگر جایی برای اعمال سلطه مستقیم دولت در برخورد با مردم جهت اخذ مالیات وجود ندارد.^(۱) قرن حاضر و آینده آگاهی افراد در برابر حقوق قانونی خود و شرایط حصول به آن را به منصه ظهور می‌گذارد و این وضعیت مستلزم وجود دستگاه‌های حکومتی مطمئنی است که تسکین دهنده دردهای عقب ماندگی فرهنگی باشد. جایگاه اجتماعی مالیات این مقوله را به عنوان فرهنگ مالیاتی تبیین نموده و این به مفهوم فرهنگی از مجموع ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها، و رفتارهای اجتماعی است که بیان گر نقش مالیات در جایعه می‌باشد. هر چند روح حاکم بر قوانین نمی‌تواند جدای از تفکر مردم در بیاره قانون باشد و معمولاً در ایجاد قوانین از عرف و عادات و رسوم نیز بهره گرفته می‌شود ولی در برخورد با پدیده‌های مهم و هماهنگ ساختن طرز تلقی مردم از یک واژه مشخص نیاز به برنامه‌ریزی و آینده‌نگری وجود دارد. این

فرهنگ مالیاتی نشان دادن اثرات مالیات به عموم مردم است. اگر دستگاه آموزش و پژوهش کشور ساخت مدرسه از طریق مردم را دارای اجر معنوی می‌داند و انسان‌های خیر توان خود را در این راه بکار می‌بندند، پس می‌توان اذعان داشت چنانچه پژوهه‌هایی که از محل وصول مالیات‌ها ساخته می‌شوند با ذکر این مطلب که این پژوهه از محل اخذ مالیات و پرداخت بموقع آن توسط مردم کشور ساخته شده است، عامل مهمی در جلب رضایت خاطر مردم خواهد بود.

(این کار می‌تواند به صور مختلف انجام گیرد از جمله این که بر سر در بناهای ساخته شده عنوان گردد یا از طریق

رسانه‌ها ذکر شود).

اساساً زمانی که شهرداری‌ها اقدام به تمسازی و پاکیزه نمودن شهر و ایجاد امکانات رفاهی برای مردم می‌نمایند، خود

بخود انگیزه

پرداخت بموقع عوارض نیز در اذهان مردم جای می‌گیرد و از این نوع تبلیغ می‌توان در اخذ مالیات از طریق علاوه مردم اقدام نمود.

مورد دیگر وجود مأموران تشخیص و وصول مالیات در رشد و بهبود این فرهنگ می‌باشد. مأموران آموزش دیده و ورزیده و آگاه به شرایط اقتصادی و اجتماعی قادرند با برخورد مناسب با مؤذیان مالیاتی (از لحاظ اجتماعی) و توضیع شرایط اقتصادی و نقش مالیات در بهبود اوضاع اقتصادی، چرخه اخذ مالیات را به شکل مطلوبی به حرکت درآورند. این موارد در

فکر در میان مردم و بعضًا مستلزم آموزش از سطوح پائین و افراد در حال رشد خواهد بود. تعلیم برخی مقررات از جمله مقررات راهنمایی و رانندگی اگر از سنین کودکی و باکار آموزشی در مقاطع تحصیلی همراه باشد در یک زمانبندی بلندمدت و یا کمتر، نشان دهنده اثرات آموزش مربوطه در اجتماع خواهد بود.

در ایران سالها وجود مالیات و پرداخت آن نهی گردیده است، در زمان‌های قبل از حکومت‌های اسلامی پرداخت مالیات با اجبار و سلطه مستقیم در اخذ آن همراه بوده و هرگز جایگاه رغبت را در مردم و نسل‌های بعدی رشند نداده است.

حکومت‌های

اسلامی و اساساً

دین اسلام زکات و

خمس را عوامل

مهمند در پیشبرد

اهداف حکومت

اسلامی دانسته و

اغلب علمای اسلام

مالیات را جدای از

آن و پرداخت

داوطلبانه مالیات به دستگاه ظالم را مخالف موازین اسلامی دانسته‌اند. این موضوع بسیار پیچیده‌تر از آن است که بخواهیم بطوری ساده با آن برخورد نمائیم و بحث عمیق آن خارج از موضوع این پژوهش می‌باشد.

علاوه بر برنامه‌ریزی از طریق آموزش بلندمدت کودکان و تشکیل یک شاکله فکری مهم و منظم و ایده‌آل، می‌توان از ابزارهای دیگری نیز جهت اینگاهه است. منظور از تبلیغات در راستای بهبود وضعیت مالیات استفاده نمود.

امروزه تبلیغات عامل مهمی در تلقین و ایجاد اینگاهه است. منظور از تبلیغات در راستای بهبود

عامل اقتصاد در جامعه نیز توان و بازوی مهم فیزیکی است که پشتیبان انتقال سیاسی و فکری ملل است. نقش اقتصاد همواره انگیزه‌ساز بوده و برای رشد اقتصادی همراهی مردم در تأمین مالی جای خود را به وضوح باز نموده است.

شرایط بهینه قرین و همراه دانسته است. در جایی به مالک می‌تویسد که در امور مالیه کشور نیک بیندیشد و متصدیان خراج را کنترل نماید، دارایی را روح مملکت دانسته و اساس کار حکومت اسلامی می‌پندارد و متأسفانه این فرمان حضرت هرگز وسیله‌ای نگردید تا مبنای آموزش و پرورش و بهبود فرهنگ مالیات دادن گردد. در این فرمان پرداختن به:

- امور مالی و تأمین مخارج دولت

- ایجاد دستگاه مالیاتی

- و نظارت بر صحت امور آنان و ترویج فرهنگ اهمیت داشتن دارایی حکومت اسلامی که مبنای حیات جامعه نیز هست سه مورد بسیار مهم و قابل بحث را مطرح می‌سازد.

خراج در زبان اسلام نوعی مالیات است که حاکم شرع با توجه به مصالح عمومی و نیازهای اجتماعی ملت و نیز عنایت به اوضاع و احوال و شرایط و میزان درآمد پرداخت کنندگان خراج بر اساس موازین اسلامی از آنها دریافت می‌نماید. در کنار خراج مالیات دیگری داریم بنام جزیه که معمولاً بطور سالانه و سرانه و نسبت به اهل کتاب از آنها اخذ می‌شود. از این رو هنگامی که امام علی(ع) پرداختن به امور مالی و تأمین مخارج دولت اسلامی را گوشزد می‌نماید توجه حاکم را به اخذ صحیح و عادلانه خراج و جزیه جلب می‌نماید و لازمه صحت اخذ و شرایط مالیات مأخوذه را وجود دستگاه کارآمد مالیاتی دانسته و برای تکمیل آن نظارت و پیروی از مقررات خاص را ملزم می‌شمارد. به هر حال اگر از دیدگاه ملی یا مذهبی بر اذهان ملت ایران تلقین و تشویق به پرداخت مالیات صورت گیرد و علاقه مردم در این باره جلب گردد تأمین مخارج دولت آسانتر و سریعتر خواهد بود.

دو نکته مهم از شرایط فکری و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی مردم و ملت‌ها تهافت است. فرهنگ ملت‌ها و توجه به اصالت فرهنگی عامل انسجام آنان و ایجاد انگیزه در تقویت آن خواهد بود. از این رو بازگشت به فرهنگ غنی ایران و ایران اسلامی و تمدن‌های گذشته و بررسی آنها می‌تواند یک حس بالندگی ملی و مذهبی در مردم ایران اسلامی ایجاد نماید.

عامل اقتصاد در جامعه نیز توان و بازوی مهم فیزیکی است که پشتیبان استقلال سیاسی و فکری ملل است. نقش اقتصاد همواره انگیزه‌ساز بوده و برای رشد اقتصادی همراهی مردم در تأمین مالی جای خود را بسیار واضح باز نموده است. اخذ مالیات در تأمین هزینه‌های جاری کشور هرگز پایان یافتنی نیست، در حالی که در آمدهای دیگر که ممکن بر منابع مردمی نیست روزی به پایان خواهد رسید و این نکته از اهمیت خاصی در میان کشورهای پیشرفته امروز برخوردار است.

اگر حکومتی از میان حکومت‌های اسلامی به عنوان مبنای مناسبی برای ترویج فرهنگ مالیاتی و اهمیت مالیات در تفکر مردم انتخاب گردد همان حکومت امیر حق علی(ع) است. در زمان پیشوایی اول شیعیان چهارچوبی از حکومت را طراحی نمود و گاه تفصیل آن در فرمان حضرت به مالکاشتر دیده می‌شود. اساس کار حضرت بیان این مطلب است که اگر برای داشتن حکومت اسلامی وسائلی باید فراهم آید داشتن آن وسائلی (علم به این که چه چیز لازم است) باید همراه با عمل برای دستیابی به آن موردنظر باشد.

به عبارتی دیگر عمل کردن به فرامین الهی در پرتو حکومت اسلامی را با اطلاع از لزوم ایجاد

خبرهای مالیاتی

برزیل - اصلاحات مالیاتی در قانون اساسی

از واردات و عرضه کالاهای صنعتی از آغاز سال ۱۹۹۸ لغو خواهد شد و مالیات بر فروش از سوی دولت فدرال و هر یک از ایالات و نواحی فدرال بر اساس ضوابطی که ضمن قوانین عادی خواهد آمد قابل وصول خواهد بود. این نوع مالیات در سراسر کشور باید به نحو یکسان و مساوی نسبت به کالاهای و خدمات مشابه برقرار شود.

۳. تسلیم اظهارنامه و پرداخت مالیات بردرآمد علی الحساب بر اشخاص حقوقی که در حال حاضر به طور ماهانه مرسوم است، ملغی شده و روش اظهار تشخیص و مطالبه سالانه این گونه مالیاتها جایگزین آن خواهد گشت.

۴. واردات خدمات نیز مشمول عوارض و رود قرار خواهد گرفت.

معمولًاً قوانین اساسی کشورها مقررات بسیار کلی و معدودی در زمینه امور مالیاتی دارند که بیشتر جنبه بیان اصول اساسی در رابطه با وضع اخذ مالیات را دارد. دولت برزیل در مقام اصلاح قانون اساسی به منظور وارد کردن پارهای قواعد جدید مالیاتی در این قانون برآمده که از این بابت نوعی نوآوری به حساب می‌آید. اهم این اصلاحات به شرح زیراند.

۱. اعطاء اختیار به مقامات مالیاتی جهت اخذ اطلاعات از مؤسسات مالی در مواردی که مسائل مالیاتی مطرح باشد. این اجازه در واقع به منزله محدودیتی بر اصل محرومانه بودن اطلاعات بانکی به شمار می‌رود.

۲. در زمینه مالیاتهای غیر مستقیم، اصلاحات مورد بحث حاکی از آن است که اخذ مالیات فدرال

فرانسه - مؤسسات کوچک و متوسط

برای این گونه مؤسسات تسهیل شود و دیگر این که برای انتقال آنها به قائم مقامان بعدی نیز سهولت هایی فراهم آید. با توجه به این اهداف: آن بخش از سود مشمول مالیات مؤسسات

دولت فرانسه در نظر دارد به تقویت موقعیت مؤسسات کوچک و متوسط بپردازد. در زمینه مالیاتی اقدامات مورد تظر دو هدف را دنبال می‌کنند، نخست این که فراهم آوردن تأمین مالی

ورشکسته شوند، سهامداران آنها اگر اشخاصی حقیقی باشند می‌توانند زیان‌های متحمله را در حساب مالیات بر درآمد شخصی خود به هزینه منظور کنند. سقف این هزینه قابل کسر ۱۰۰۰۰ فرانک برای اشخاص مجرد و ۲۰۰۰۰ فرانک

برای افراد متأهل می‌باشد.

-در زمینه انتقال این مؤسسات، بخشودگی مالیاتی معادل ۵۰ درصد منظور شده و آن در صورتی است که مؤسسه جنبه خانوادگی داشته و بین اعضاء خانواده مورد صلح یا هبه قرار گیرد. سقف این بخشودگی ۱۰۰ میلیون فرانک است.

مورد بحث که به منظور افزایش سرمایه سهامی آنها صرف می‌شود، طی شرایطی از نرخ نازل مالیات بر شرکت معادل ۱۹ درصد استفاده خواهد کرد.

-هر گاه اشخاص حقیقی در سرمایه این گونه مؤسسات کوچک و متوسط سهم شوند، تا میزان ۲۵ درصد وجوده پرداختی آنها از این بابت مشمول بخشودگی مالیاتی به سود چنان اشخاصی خواهد گردید. سقف این بخشودگی ۷۵۰۰ فرانک برای مودیان مجرد و ۴۷۵۰ فرانک برای مودیان متأهل منظور گردیده است.

-در صورتی که مؤسسات مورد بحث

آلمان - تسهیلات برای غیر آلمانی‌ها

-اما هترمندان، ورزشکاران، تویستندگان، روزنامه‌نگاران و عکاسان جزاید نسبت به درآمدهای خرفه‌ای خود که از منابع آلمانی تحصیل شود مشمول مالیات در منبع (مالیات تکلیفی) به نرخ ۲۵ درصد خواهند بود.

-زن و شوهر مقیم آلمان می‌توانند در مورد مالیات بر درآمد سالانه خود اظهارنامه مشترک تسلیم تماییت و از نرخهای تفکیکی مناسب استفاده کنند. این مزیت به اتباع سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز که مقیم آلمان نیستند تسری داده شده، مشروط بر این که لااقل ۹۰ درصد مجموع درآمد ایشان در سطح جهان تابع مالیات آلمان باشد و یا این که مجموع درآمدهای ایشان از ۲۴۰۰ مارک تجاوز نکند.

به موجب اصلاحاتی که در مقررات مالیاتی این کشور صورت پذیرفته، پارهای مزایا به سود اتباع سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا و دیگر مودیانی که از جهت وابستگی به درآمدهای حاصل از آلمان وضع خاصی را دارا می‌باشند، منظور گردیده است.

از جمله:

-هر گاه مؤبدی غیر مقیم، اعم از اتباع اتحادیه اروپا و غیر ایشان، حداقل ۹۰ درصد از مجموع درآمدهای خود در سطح جهان را از منابع واقع در کشور آلمان تحصیل کند، در این صورت می‌تواند تقاضا نماید که از جهت مالیاتی مقیم آلمان شناخته شود و رفتاری شبیه اشخاص مقیم نسبت به وی اعمال گردد.

هزینه نگاهداری از کودکان که به یکی از والدین طلاق گرفته یا جدایشده وی پرداخت می‌شود، در صورتی که محل زندگی دائمی طفل و مؤیدی هر دو در آلمان باشد، قابل قبول به هزینه می‌باشد. این مزیت به مؤیدیانی که تبعه و مقیم سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا هستند، تجزیه مالیات بر درآمد پرداخت کننده پذیرفته خواهد شد.

ژاپن-مسکن مورد استفاده مدیران

مسکن مربوط با شرایط خاصی صرفاً به خاطر ارضاء سلیقه‌های شخصی مدیران تدارک شده باشند، عموماً غیر متعارف و خارج از استاندارد تلقی می‌شود.

در مورد مساقن متعارف همان شیوه پیشین جاری خواهد بود، به این معنی که بین ۳۵ تا ۵۰ درصد اجاره بهای پرداختی شرکت به عنوان مزایای مشمول مالیات مؤیدی در نظر گرفته خواهد شد.

به موجب دستورالعمل سازمان مالیاتی این کشور، مسکن واگذاری از سوی کارفرمایان به مدیران و اعضاء هیئت‌های مدیره مؤسسات باید از حیث مالیاتی معادل ارزش اجاری عادله روز آنها ارزیابی شود، و این در صورتی است که چنان خانه‌هایی از حد متعارف و استاندارد تجاوز کند. هر مسکنی که مساحت آن از ۳۴۰ متر مربع بیشتر بوده یا دارای تسهیلات لوکسی مانند استخر شنا باشد، و یا حتی در صورتی که

مقدونیه - عقد قرارداد مالیاتی با ترکیه

این نزدیکی عقد قرارداد اجتناب از اخذ مالیات مضاعف بین ترکیه و مقدونیه است. شرایط قرارداد با تسهیلات بسیاری همراه است. از جمله مالیات تکلیفی که از سود سهام پرداختی توسط شرکتهای مقیم یکی از دو کشور به سهامداران مقیم کشور دیگر متعاهد در منبع قابل کسر است.

از سابقه حساسیت‌های یونان در قبال کشور نوبنیاد مقدونیه همگان آگاهند و همچنین همه می‌دانند که روابط یونان و ترکیه با چه سابقه دیرینه‌ای از رقابت و آزردگی‌های متقابل همراه است. در چنین شرایطی طبیعی است که موجبات نزدیکی مقدونیه و ترکیه فراهم آید. تموته‌ای از



تسویه مطالعه می‌باشد و در صورتی که سرمایه‌گذاران مقیم کشور دیگر صفر درصد است و در مورد درآمد حاصل از حق الامتیاز این نرخ تنها به ۱۰ درصد بالغ می‌گردد.

فقط معادل ۱۰ درصد می‌باشد و در صورتی که سهامدار مالک ۲۵ درصد از سهام شرکت باشد میزان فرق به نصف یعنی فقط ۵ درصد تنزل می‌یابد. نرخ مطالیات در منبع بابت بهره پرداختی

مکزیک - قرارداد اصلاحات مالیاتی

مالیاتی ۴/۹ درصد استفاده خواهد نمود.
اجازه انتقال زیان سقوطی از ۵ سال به ۱۰ سال افزایش یافته است.
 مؤسسات کوچکی که سرمایه و درآمدشان از حد معینی تجاوز نمی‌کنند و تدارک کننده کالا و خدمات برای عامه می‌باشند، می‌توانند به میل خود از یک نظام ویژه مالیاتی استفاده کنند، و آن این که بجای رسیدگی به حساب سود و زیان ایشان، مالیاتی به نرخ مقطوع ۲/۵ درصد روی عملکرد ناخالص سالانه خود پردازند.
 درآمد اشخاص غیر مقیم از واگذاری اوراق بهادر تابع مطالیات بر درآمد مکزیک خواهد بود، مشروط بر این که لااقل ۵ درصد ارزش رسیمی اوراق مورد معامله مربوط به اموال غیر منقول واقع در مکزیک باشد.

از مدت‌ها پیش بین دولت مکزیک، نمایندگان اتحادیه‌های کارگری، بخش‌های رقابتی و بازگانی و باشکوه مذاکراتی پیرامون اصلاحات مالیاتی جریان داشت که عاقبت به توافق بین آنها و انجام یک سلسله تغییرات در قوانین این کشور منجر گردید، از جمله:
 بهره پرداختی به مؤسسات مالی غیر مقیم (مشتمل بر بانک‌ها) که در وزارت دارائی مکزیک به ثبت رسیده و مقیم یک کشور طرف قرارداد مالیاتی با مکزیک باشند، تابع نرخ مطالیات تکلیفی ۴/۹ درصد خواهد بود که در منبع کسر می‌شود.
 این نرخ قبلاً ۱۵ درصد بوده است.
 مسئولیت ثابت شرکتهای مکزیکی در کشورهای طرف قرارداد مالیاتی بابت درآمد بهره سرمایه‌گذاری در مکزیک نیز از نرخ نازل

نویس (Nevis) - شرکت با مسئولیت محدود

کانادا، ملکه انگلستان بر آن پادشاهی دارد، مقررات جدیدی را وضع کرده است که مطالعه آن از نظر معافیت‌های گسترده مالیاتی جالب به نظر می‌رسد. به موجب این مقررات هر کسی اعم

این جزیره بسیار کوچک دریای کارائیب که همراه با جزیره دیگری در نزدیکی خود (St.Kitts) چند سال پیش استقلال خود را بازیافت و در عین حال همانند کشورهای نظیر

همچنین سود سهام پرداختی شرکت - به شرط آن که در نویس فعالیتی نداشته باشد - از هر گونه مالیات معاف است. دریافت کنندگان سود سهام نیز از هر گونه مالیاتی معاف اند، مشروط بر آن که تبعه یا مقیم نویس نباشند.

از آن که شهر وند یا مقیم نویس بوده یا نباشد می تواند در این سرزمین یک شرکت با فسئولیت محدود تشکیل دهد؛ هر گونه درآمد شرکت به شرط این که از متابع خارج از جزیره حاصل شود از مالیات بر درآمد و دارائی معاف است.

پاراگونه - مالیات بر درآمد کشاورزی

ماشین آلات کشاورزی، حقوق و دستمزد و پرداختی و هر گونه مالیاتی که در رابطه با مال غیر منقول تأثیره شده باشد، بانکها و مؤسسات مالی که اراضی به عنوان تضمین وام در وثیقه ایشان است از پرداخت مالیات کشاورزی معاف اند، مشروط بر این که مدت نگاهداری وثیقه نزد ایشان از یک سال تمام تجاوز نکند.

در حالی که فعالیت های کشاورزی در اکثر نقاط جهان از مالیات معاف است، پاراگونه هنوز بر اخذ چنین مالیاتی اهتمام ندارد، به موجب مقررات جدید مالیاتی، درآمد ناویژه کشاورزی برابر ۱۲ درصد ارزش زمین مورد زراعت برآورد می شود. هزینه های قابل کسر از درآمد تا ویژه عبارتند از بهره پرداختی در ازاء وام دریافتی برای فعالیت های زراعی، استهلاک و سایل و

روماني - حق تمبر اسناد رسمی

به موجب مقررات جدید جدول نرخ های مریبوط به حق تمبر دریافتی از معاملات مریبوط به اموال غیر منقول به پول ملی (Lei) به شرح زیر است:

در رومانی تا چندی قبل دفاتر استانداری دولتی بودند ولی بعداً تأسیس دفتر از سوی بخش خصوصی جایز شناخته شد و پای اخذ مالیات از فعالیت های این دفاتر نیز به میان آمد.

ارزش مال (Lei)

از -۵ - تا ۱۰۰۰۰۰

(حداقل ۴٪) ۱۰۰۰۰۰ - تا ۱۰۰۰۰۰۰

از ۰ - تا ۱۰۰۰۰۰ ۵۰۰۰۰۰ - ۱۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ - تا ۵۰۰۰۰۰۰

از ۰ - تا ۱۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ - ۱۵۰۰۰۰۰ ۱۵۰۰۰۰۰ - تا ۱۰۰۰۰۰۰۰

از ۰ - تا ۱۵۰۰۰۰۰ به بالا ۱۵۰۰۰۰۰ -

لاتویا - تعویق پرداخت مالیات

بیاندازند.

برای این که مؤسسات فروش اتومبیل بتوانند چنین اجازه‌ای را از مقامات مربوط دریافت دارند لازم است وکالت نامه کتبی از مؤسسات خارجی سازنده تحصیل نمایند مبنی بر این که نمایندگی مجاز فروش اتومبیلهای آن مؤسسات را دارا می‌باشد. مالیات مربوط ظرف ۲ روز از تاریخ فروش باید پرداخت شود و اگر اتومبیل تایک سال از تاریخ ورود به فروش نرسد باید مالیات آن تأثیر گردد و یا از کشور مجدداً صادر شود.

هیئت وزیران این کشور تازه استقلال یافته ساحل دریای بالتیک تصویب‌نامه‌ای را گذرانیده است که به موجب آن اجازه داده می‌شود مالیات مربوط به اتومبیلهای وارداتی (شامل حقوق گمرکی، مالیات غیر مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده) به زمانی موقول شود که اتومبیل فروخته می‌شود. این اتفاق در حق دلالان مجاز است که اجازه مخصوص از سازمان مالیاتی کشور دریافت داشته‌اند، قابل اعمال است و آنها به این ترتیب خواهند توансست پرداخت بدھی مالیاتی خود را تازمان فروش اتومبیلها به تعویق می‌گذارند.

پاکستان - تشویق مالیاتی

گمرک معاف شناخته شده و مؤسسات ذیربیط به مدت ۷ سال از معافیت کامل مالیاتی بایت تولید و صدور فراورده‌های مورد بحث استفاده می‌کنند.

این کشور همانند هند مساعی زیادی برای تشویق تولیدکنندگان و صادرکنندگان نرم افزارهای کامپیوتری مبذول می‌دارد. از جمله به موجب مقررات جدید هر گونه واردات و سایل و تجهیزات لازم به این منظور از مالیات‌ها و حقوق

سری لانکا - شرکت‌های برجسته

آمریکائی به بالا باشد. سود سهام پرداختی چنین شرکت‌هایی در صورت احراز شرایط معینی از هر گونه مالیات معاف می‌باشد و درآمد آنها از حق الامتیازهای خود به جای نرخ ۱۵ درصد معمولی از نرخ ارفاکی ۱۰ درصد استفاده خواهد

در مقررات مالیاتی جدید سری لانکا عنوان مذکور به شرکت‌های اطلاق می‌شود که با سازمان سرمایه‌گذاری این کشور قراردادهای مهمی منعقد ساخته باشند. این قراردادها باید متناسب تعداد سرمایه‌گذاری از ۵۰ میلیون دلار

می‌نمایند. شرایط برخورداری از این اتفاق و ضوابط تشخیص تکنولوژی پیشرفته نیز به تصویب رسیده است. علاوه بر این ظرف مدت ۵ سال فوق هر گونه زیان سقوطی قابل انتقال به دوره‌های بعد می‌باشد.

کرد، همچنین با کارکنان خارجی این شرکت‌ها از حیث مالیاتی تا مدت ۵ سال از آغاز کار به عنوان غیرمقدم رفتار خواهد شد و از آن پس نیز تابع نرخ اتفاقی ۱۵ درصد خواهد بود. ضمناً شرکت‌هایی که تکنولوژی پیشرفته ارائه می‌کنند تا ۵ سال از معافیت مالیاتی کامل استفاده

اتریش - خانه و زندگی ماضعف

منکور در اتریش به میان می‌آید، وی مدعی کسر هزینه‌های می‌شود که در رابطه با خانه و زندگی او در آمریکا انجام شده بوده است.

مقامات مالیاتی اتریش این تقاضا را رد کردند و هزینه‌های مورد بحث را در محاسبه مالیات بر درآمد اتریش نامربوط دانستند، همان‌گونه که اگر از اجاره خانه مورد بحث در امریکا درآمدی برای مُؤدى حاصل می‌شد، از نظر مالیاتی در اتریش نامربوط تلقی می‌گشت.

وزارت دارائی اتریش طی بخشندامه‌ای یک قضیه خاص مالیاتی را مورد بررسی قرار داده و تکلیف آن را از جهت مالیاتی معین کرده است. جریان از این قرار بوده است. که یکی از کارکنان وابسته به یک گروه بین‌المللی از سوی گروه مأمور می‌شود که برای انجام پروژه‌ای به اتریش بزود. وی که خود از اتباع ایالات متحده آمریکا بوده و در آن کشور خانه و زندگی داشته، در اتریش نیز برای خویش خانه و زندگی جداگانه به راه می‌اندازد. هنگامی که پای محاسبه بدھی مالیاتی کارمند

تالین - مالیات بر آگهی‌های بازرگانی

منکور بویژه در مورد دخانیات و مشروبات الکلی بسیار زیاد است و به سه برابر مالیات مرتبه به سایر آگهی‌ها بالغ می‌گردد. جمع درآمد سالانه از این مالیات محلی به حدود ۱۰ میلیون کرون برآورد می‌شود که نزدیک به ۹۰۰ هزار دلار ارزش دارد.

در این شهر که پایتخت جمهوری تازه به استقلال رسیده استونی است، مالیات جدیدی از سوی شورای شهرداری محل برآگهی‌های تجارتی وضع شده است. نرخ‌های مختلفی برای این مالیات در نظر گرفته شده است که بر حسب اندازه و محل نصب آگهی فرق می‌کند. نرخ



هزار دستان مالیاتی روس

اقتباس از نشریه اکونومیست

جدید مالیات‌ها و عوارض همچنان ادامه یابد. چندی قبل فرمان ریاست جمهوری در مورد معاملات بانکی صادر شد و به موجب آن به سازمان مالیاتی اختیار داده شده که تمامی این نوع معاملات را تحت بازرسی قرار داده و مالیات‌هایی - تقریباً به طور دلخواه - بر آن‌ها وضع نماید. اما سروصدای عظیمی که این ابداع مالیاتی به راه انداخت، دولت را مجبور کرد اندکی بعد فرمان مذکور را لغو کند. پس از آن یک کمیسیون اضطراری با اختیارات فراوان چهت کشید و تعقیب مالیات گریزان بزرگ تشکیل شد که آن نیز با مقاومت سیاستمداران مناطق مختلف روپوشد و خنثی گشت. سپس نوبت به مالیات مرزی رسید که هرگونه عبور مسافر و بار را از مرزهای فدراسیون روسیه شامل می‌گشت، پس از آن نوبت قانون راجع به برچسب مشروبات بود، ولی در نیوئنی نو گورود ماموران مالیات خود از گرفتن و توزیع بهموقع باندل‌ها طفره رفتند و در نتیجه کارخانه‌ها نتوانستند محصولات خود را به سبب نداشتن برچسب بیرون بدهند. وضع مالیات بر اوراق بهادر نیز تقاضا برای اوراق قرضه دولتی را به نحو فاحشی یائین آورد.

قانون عجیب دیگر هر فردی را که برای معامله واحد (مثل خرید اتومبیل) بیش از ۶۰۰۰۰ دلار خرج کند، ناچار از تسليم گزارش مالیاتی ساخت که طی آن ناچار بود مبلغ تهیه این اندازه بول را به نحو قابل توجیه نشان دهد، تا اگر گریز از مالیات صورت گرفته باشد.

ماجراهای مالیاتی فدراسیون روسیه و بیچ و تابهانی که جامعه دگرگون گشته روس در این زمینه - همانند بسیاری زمینه‌های دیگر - با آن روبروست، زبانزد جوابد و رسانه‌های دنیاست. هر روز افسانه تازه‌ای در این باب ساز می‌شود و قصه‌های عجیب و غریب شایع می‌گردد. بد نیست برخی از این شگفتی‌ها را به نقل از اکونومیست لندن برای سرگرمی خوانندگان خود نقل کنیم.

شمار مالیات‌ها و عوارض در سطح فدرال، نواحی و مناطق مختلف این فدراسیون پهناور به چنان مقیاس سراسام‌آوری رسیده و تکالیف مالیاتی مؤدیان در زمینه تهیه اظهارنامه‌ها و صورت‌های مالیاتی به حدی گسترش یافته که میلیون‌ها مؤدی مالیاتی را به گریز و اختفاء از شناسائی مالیاتی واداشته است. اکثریت قریب به اتفاق مؤدیان اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی می‌کوشند به هر نحوی که شده خود را از معرض این هجوم سراسام آور کنار بکشند و در نتیجه همواره سطح واقعی درآمد دولت از محل مالیات‌ها بسیار کمتر از ارقامی است که در بودجه این کشور پیش‌بینی می‌شود.

با این که دولت تحت فشار عمومی برای درمان این وضع بارها وعده کرده است که از تعداد مالیات‌ها و تنوع آن‌ها به میزان قابل توجهی بکاهد، اما از سوی دیگر تیگناهای مالی و نیاز مبرم مالیه مملکت به درآمدهای مالیاتی سبب می‌شود که جریان ابداع انواع

تحت تعقیب قرار گیرد.

این اوضاع و احوال مقاومت‌های بسیاری را به دنبال داشت که گاهی با فاجعه نیز همراه بوده است. سال ۱۳۹۷ مامور مالیاتی به قتل رسیدند و ۷۴ مامور گذشته ۲۶ مامور مالیاتی به قتل رسیدند و در این وضع دولت تصمیم دیگر مجرح شدند. بر اثر این فرماندهی قوانین پلیس و نیروهای شبه نظامی را بر عهده داشت وظیفه سامان دادن به امر می‌باشد.

قوانين، تصویبات‌ها، و بخشنامه‌ها

و آراء هیأت‌های عمومی شورای عالی مالیاتی و دیوان عدالت اداری

آئین‌نامه اجرائی مالیات نقل و انتقال دست دوم به بعد انواع خودرو موضوع تبصره ۴
ماده ۹ قانون اجازه وصول مالیات غیر مستقیم از برخی کالاها و خدمات

ماده ۱- پرداخت مالیات نقل و انتقال از طریق قبوض مخصوصی که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی چاپ و در اختیار بانکها قرار می‌گیرد قابل پذیرش بوده و باید مشخصات کامل خودرو یا ماشین آلات راه سازی، اعم از نوع، سیستم، مدل، شماره شهربانی، شماره موتور و شاسی و تام مالک در آن درج و به مهر شعبه ممهور و توسط ماشین تحولیداری پرفرار شده باشد. دفاتر استاد رسمی مکفند پس از تنظیم سند و ثبت شماره سند و شماره دفترخانه در کلیه نسخ قبض مالیاتی، نسخه مربوط به خود را همواره نگهداری نمایند و در صورت تخلف مطابق بندیک تبصره (۷) ماده یک قانون وصول مالیات نقل و انتقال اتومبیلهای غیرسواری و اصلاح بعضی از مواد قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحیه‌های بعدی مصوب ۱۳۹۳/۱۰/۱ با آنان رفتار خواهد شد.

تبصره- ادارات راهنمایی و رانندگی موظفند پس از ملاحظه نسخه قبضن مالیات نقل و انتقال مربوط به پرداخت کننده نسبت به ثبت انتقال در سوابق اقدام نمایند.

ماده ۲- یافاتر استناد رسمی مکافن در تنظیم وکالتامه‌های کلی درمورد انتقال اموال، وکالت نسبت به خودروها یا ماشین آلات راهنمایی موضوع این آیین نامه را تصریح یا مستثنی نمایند و در صورت تخلف از مفاد این ماده، مطابق بند(۳) تبصره (۷) ماده یک قانون مالیات نقل و انتقال اتومبیلهای غیرسواری و اصلاح بعضی از مواد قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحیه‌های بعدی مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ با آنان رفتار خواهدشد.

ماده ۳- مالیات خودروهایی که برای مصارف خاص، برحسب نوع استفاده وسائل و تجهیزات مشخصی بروی آنها نصب شده (مانند خودروهای آتش نشانی، جرثقیل و آمبولانس) باتوجه به شاسی آنها که می‌تواند از نوع سواری یا غیرسواری باشد، تعیین می‌گردد.

ماده ۴- اقاله استناد خودرو و ماشین آلات راه سازی مشمول مالیات نقل و انتقال تخواهد بود، لیکن مالیات وصول شده از معامله‌ای که منجر به اقاله شده است، قابل استرداد نمی‌باشد.

ماده ۵- قبوض پرداخت مالیات در هر شهرستان برای انجام معامله و تنظیم سند در همان شهرستان قابل پذیرش می‌باشد.

ماده ۶- وزارت خانه‌های امور اقتصادی و دارایی و بازرگانی حسب مورد می‌توانند با توجه به تنوع خودروها، موتورسیکلت‌ها و ماشین آلات راه سازی و عدم ورود یا ساخت برقی از آنها، و به لحاظ تسهیل در امر وصول مالیات، نسبت به تعیین ارزش براساس موارد مشابه اقدام نمایند.

ماده ۷- مفاد کلیه تبصره‌های ماده (۷) لایحه قانونی اصلاح بعضی از مواد قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۵۹/۴/۲۵ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران و تبصره‌های ماده یک قانون وصول مالیات از اتومبیلهای غیرسواری و اصلاح بعضی از مواد قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحیه‌های بعدی مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ (به استثنای تبصره ۲) و همچنین ماده (۲) قانون اخیرالذکر نسبت به خودروها و موتورسیکلت‌ها و ماشین آلات راه سازی موضوع این آیین نامه نیز جاری می‌باشد.

معاون اول رئیس جمهور - حسن حبیبی

بخشنامه شماره ۱۱۹۲۱/۵۲۷۴۸ - ۳۰/۴ مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۱۰

نظر باینکه تعدادی از مودیان محترم مالیاتی پس از طرح و رسیدگی پرونده‌های آنان در هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی موضوع ماده ۲۱۶ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶، در مراجعه به مراجع بعدی بلحاظ ابهامات موجود با مشکلاتی مواجه می‌شوند و این اشکال بعض‌اً سبب تضییع حق برخی اشخاص که آگاهی کامل نسبت به مقررات قانون ندارند می‌گردد، لذا مقتضی است پیرو

دستورالعمل شماره ۲۵۶۱۶ / ۷۶۳۵ / ۴ - ۳۰ / ۶ / ۱۴ - ۱۳۶۹ به هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی مذکور مستقر در آن اداره یادآوری نمایند از این پس در انشاء رای موارد زیر را ملحوظ نظر قراردهند.

۱- در مواردیکه وصول مالیات قبل از طرح پرورنده در هیئت حل اختلاف مالیاتی بدوی یا بدون اخذ رای قانونی این هیئت بموقع اجرا گذاره شده است و بعلت عدم قطعیت مالیات هیئت‌های موضوع ماده ۲۱۶ مزیور با استناد به مقررات تبصره یکم این ماده وارد ماهیت رسیدگی شده و عنوان جایگزین هیئت بدوی رای صادر می‌نمایند لازم است در خاتمه متن رأی این عبارت را قید نمایند که «رأی صادره در صورت اعتراض ظرف یکماه از تاریخ ابلاغ، برابر ماده ۲۴۷ قانون مالیات‌های مستقیم قابل تجدیدنظر می‌باشد».

۲- در مواردیکه وصول مالیات با وجود قابل طرح بودن پرورنده در هیئت حل اختلاف تجدیدنظر، بدون اخذ رأی قانونی این هیئت بموقع اجرا گذاره شده باشد، در این حالت نیز اگر هیئت‌های موضوع ماده ۲۱۶ با استناد به مقررات تبصره یکم یادشده عنوان هیئت تجدیدنظر به موارد اختلاف رسیدگی می‌نمایند، لازم است در پایان رای خود قید نمایند که «مودی و ممیز کل مالیاتی مربوط حسب مورد می‌توانند ظرف یکماه از تاریخ ابلاغ این رای به شورای عالی مالیاتی برابر ماده ۲۵۱ قانون مالیات‌های مستقیم شکایت کنند». مسئول حسن اجرای این دستورالعمل مدیران کل واحدهای ذیربطر خواهندبود. داریوش ایرانبدی معاون درآمدهای مالیاتی

بخشندامه شماره ۱۹۹۶/۴۱۵ - ۳۰/۴ مورخ ۱۳۷۶/۱/۲۱

نظرباینکه مقررات تبصره ماده ۴۸ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ مجلس شورای اسلامی و اصلاحیه بعدی آن صرفاً در ارتباط با تلقی صد درصد سرمایه شرکت به دولت می‌باشد و لاغیر بنابراین توجه خواهندداشت که مقررات مذکور در خصوص شرکتهای تابعه و وابسته به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران جاری نبوده و سهام شرکتهای یادشده مشمول مقررات متن ماده ۴۸ قانون مالیات‌های مستقیم خواهندبودو مفاد این بخشندامه به تأیید اکثریت اعضاء هیأت داریوش ایرانبدی معاون درآمدهای مالیاتی عمومی شورای عالی مالیاتی نیز رسیده است.

بخشندامه شماره ۱۳۷۶/۲۷۹۰ - ۳۰/۴ مورخ ۱۳۷۶/۱/۲۶

در اجرای مقررات مربوط به قانون اصلاح ماده ۸۴ قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۹ مجلس شورای اسلامی و بمنظور محاسبه صحیح مالیات حقوق از اول سال ۱۳۷۶ نکات زیر مذکور می‌گردد:

۱- با درنظر گرفتن حداقل عدد مینا در جدول حقوق موضوع ماده یک قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰/۶/۲۴ که عدد چهارصد می باشد و اینکه طبق مصوبه شماره ۵۰۹۲۲ ت ۱۷۰۴۲ مورخ ۱۳۷۶/۱/۱۸ هیات محترم وزیران ضریب جدول حقوق موضوع ماده ۳۳ قانون استخدام کشوری از ۱۳۷۶/۱/۱ یکصد و شصت ریال تعیین گردیده است بنابراین میزان معافیت مالیاتی سالیانه موضوع ماده ۱۸۴ اصلاحی فوق الذکر بشرح زیر خواهد بود.

$$\text{درآمد سالیانه معاف از مالیات حقوق} = ۳۸۴۰۰۰ \times ۱۶۰ = ۶۰ \times ۴۰۰ \times ۱۶۰$$

۲- با توجه به مقررات تبصره یک ذیل ماده ۱۸۴ اصلاحی مزبور، اضافه کاری مشمول قانون کار در بخش غیردولتی نیز تا حد نصاب ۵۰٪ ساعات کار روزانه مطابق نزخ مالیاتی مقرر برای اضافه کاری مشمولین قانون نظام هماهنگ بوده و چنانچه مازاد بر ۵۰٪ ساعات کار روزانه وجودی بابت اضافه کاری به کارکنان مزبور پرداخت گردد این مازاد به جمع درآمد مشمول مالیات حقوق اضافه شده و طبق مقررات مربوط مشمول مالیات خواهد بود.

۳- چون حداکثر حقوق موضوع ماده ۸ لایحه قانونی مربوط به حداکثر و حداقل حقوق مستخدمین شاغل و بازنشسته و آمساده بخدمت مصوب ۱۳۵۸/۲/۴ شورای انقلاب اسلامی ایران مبلغ ۰۰۰۰۰۰۰۱ ریال در ماه می باشد بنابراین مطابق مقررات تبصره ۲ ماده ۱۸۴ اصلاحی یادشده ۲۵٪ از مالیات متعلق به کل مبالغ پرداختی تا مبلغ ۰۰۰۴۰۰۰ ریال (حداکثر حقوق سالیانه اعم از حقوق و فوق العاده شغل و وجوده موضوع بند ۱۳ و ۱۵ ماده ۹۱ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ و اصلاحی آن) به حقوق بگیران بخشوده گردیده و نسبت به مازاد این مبلغ مالیات متعلق مطابق مقررات موضوع محاسبه خواهد شد.

جهت روشن شدن بیشتر موضوع و بعنوان مثال مالیات حقوق در دو فرض بشرح زیر محاسبه می گردد:

الف - پرداخت کننده حقوق وزارت خانه یا مؤسسه دولتی است و جمع حقوق و فوق العاده شغل ماهانه حقوق بگیر ۷۰۰۰ ریال و فوق العاده حق جذب ۱۴۰۰۰ ریال ۷ فوق العاده شرایط محیط کار ۵۰۰۰۰ ریال، فوق العاده محرومیت از تسهیلات زندگی ۵۶۴۰۰ ریال و اضافه کاری ساعتی ۱۵۰۰۰۰ ریال که جمع دریافتی ماهیانه مبلغ ۹۰۷۴۰۰ ریال می باشد. نحوه محاسبه:

درآمد مشمول مالیات مستمر ماهیانه عبارت از مبلغ

$$۵۰۷۰۰۰ \times ۱۲ = ۶۰۸۴۰۰۰$$

حقوق و فوق العاده شغل مستمر سالیانه مشمول مالیات

$$۶۰۸۴۰۰۰ - ۳۸۴۰۰۰ = ۲۲۴۴۰۰۰$$

کسر می شود معافیت موضوع قانون اصلاح ماده ۸۴

$$۳۴۳۹۲۰ \quad (\text{نتیجه اعمال نزخ های ماده})$$

مالیات سالانه قبل از کسر بخشودگی (%) ۲۵

$$۱۳۱ \quad (\text{روی رقم ۲۲۴۴۰۰۰ ریال})$$

۲۵٪ بخشودگی مالیات موضوع تبصره

مالیات متعلق سالانه

مالیات متعلق به حقوق و فوق العاده شغل ماهانه

مالیات اضافه کاری

بخشودگی موضوع تبصره ۲

مالیات اضافه کاری پس از اعمال بخشودگی موضوع تبصره ۲

جمع مالیات متعلق به حقوق و فوق العاده شغل و اضافه کاری ماهیانه ریال ۲۱۴۹۵ + ۱۱۲۵۰ = ۳۲۷۴۵

چنانچه حقوق بگیر مزبور شاغل در روستا یا در نقاط محروم باشد در اینصورت باستناد ماده ۹۲ و ذیل تبصره ۲ قانون اصلاح ماده ۸۴ پنجاه درصد مالیات متعلق نیز بخشوده خواهد شد که در اینصورت مالیات متعلق به تصفیه تقلیل می‌یابد

توضیح: از آنجا که فوق العاده های جذب، شرایط محیط کار، محرومیت از تسهیلات زندگی بموجب بند ۶ ماده ۹۱ قانون مالیات‌های مستقیم از پرداخت مالیات معاف است لذا در محاسبه درآمد مشمول مالیات منظور نگردیده است.

ضمناً چون جمع دریافتی ماهیانه حقوق بگیر از سقف تعیین شده در تبصره ۲ قانون اصلاح ماده ۸۴ کمتر است بخشودگی مالیات موضوع این تبصره نسبت به اضافه کاری دریافتی نیز اعمال گردیده است.

ب - پرداخت کننده حقوق یک شرکت خصوصی است که در اینصورت نحوه محاسبه بشرح زیر خواهد بود:

حقوق اصلی ۵۰۷۰۰۰ ریال، فوق العاده حق جذب ۱۴۴۰۰۰ ریال، فوق العاده شرایط محیط کار ۵۰۰۰۰ ریال، کمک هزینه عائله مندی ۴۲۰۰۰ ریال، کمک هزینه اولاد ۱۴۴۰۰ ریال، اضافه کاری ۱۵۰۰۰۰ ریال (بمدت ۷۲ ساعت در ۳۰ روز کاری) که جمع دریافتی ماهیانه مبلغ ۹۰۷۴۰۰ ریال می‌باشد.

۳۰٪ حقوق اصلی طبق بند عمامه ۹۱

جمع فوق العاده‌های موضوع بند ۶ ماده ۹۱

فوق العاده مشمول مالیات طبق بند ۶ ماده ۹۱

حقوق و مزایای مستمر ماهیانه مشمول مالیات

حقوق و مزایای مستمر سالانه مشمول مالیات

درآمد مشمول مالیات حقوق پس از کسر معافیت ماده ۸۴ اصلاحی ۳۴۲۲۳۶۰۰ - ۳۸۴۰۰۰۰ = ۷۶۸۲۶۰۰

مالیات سالیانه قبل از کسر بخشودگی (٪ ۲۵)

۱۲۱ روی رقم ۳۴۲۲۳۶۰۰ (ریال)

مالیات متعلق به حقوق و مزایای مستمر مشمول مالیات سالانه

مالیات متعلق ماهانه

$$۴۶۵۶۷۵ : ۱۲ = ۳۸۸۰۶$$

$$150000 \times \% ۱۰ = ۱۵۰۰۰$$

$$15000 \times ۲۵\% = ۳۷۵۰$$

مالیات متعلق ماهانه بر اضافه کاری

$$15000 - ۳۷۵۰ = ۱۱۲۵۰$$

$$۳۸۸۰۶ + ۱۱۲۵۰ = ۵۰۰۵۶$$

جمع مالیات متعلق ماهانه

توضیح: چون اضافه کار پرداختی برای کارکرد ماهیانه، کمتر از نصاب مذکور در ذیل تبصره یک قانون اصلاح ماده ۸۴ می‌باشد لذا کل اضافه کار دریافتی مشمول تبصره یک قانون فوق الذکر بوده و چون جمع دریافتی ماهیانه حقوق بگیر از سقف تعیین شده در تبصره ۲ همین قانون کمتر است بخشودگی مالیات موضوع تبصره ۲ اخیر الذکر نسبت به اضافه کاری دریافتی نیز اعمال گردیده است. همچنین جهت سهولت بیشتر جدول محاسبه مالیات بردرآمد حقوق بطور ماهانه نیز تهیه و پیوست می‌باشد تا پرداخت کنندگان حقوق حسب مورد از آن استفاده لازم را بنمایند.

داریوش ایرانبدی معاون درآمدهای مالیاتی

جدول مالیات حقوق از اول سال ۱۳۷۶ براساس اصلاحیه ماده ۸۴ و اصلاحات پس از آن مصوب ۷۵/۲/۱۹ مجلس

شورای اسلامی

ارقام به ریال

مبلغ مالیات	حقوق ماهیانه	مبلغ مالیات	حقوق ماهیانه
۱۱۲۵۶۳	۹۰۰۰۰۰	معاف	۳۲۰۰۰۰
۱۲۸۸۱۳	۱۰۰۰۰۰	۹۰۰	۳۳۰۰۰۰
۱۹۶۱۸۸	۱۲۰۰۰۰۰	۱۸۰۰	۳۴۰۰۰۰
۲۷۶۱۸۸	۱۳۰۰۰۰۰	۲۷۰۰	۳۵۰۰۰۰
۳۵۶۱۸۸	۱۶۰۰۰۰۰	۷۲۰۰	۴۰۰۰۰۰
۴۲۶۱۸۸	۱۸۰۰۰۰۰	۱۲۸۰۰	۴۵۰۰۰۰
۵۱۶۱۸۸	۲۰۰۰۰۰۰	۲۰۵۵۰	۵۰۰۰۰۰
۵۹۶۱۸۸	۲۲۰۰۰۰۰	۲۸۴۲۸	۵۵۰۰۰۰
۶۷۶۱۸۸	۲۴۰۰۰۰۰	۲۷۸۱۲	۶۰۰۰۰۰
۷۶۶۰۲۱	۲۶۰۰۰۰۰	۴۷۱۸۸	۶۵۰۰۰۰
۸۵۶۰۲۱	۲۸۰۰۰۰۰	۶۰۰۶۳	۷۰۰۰۰۰
۹۴۶۰۲۱	۳۰۰۰۰۰۰	۷۳۱۸۸	۷۵۰۰۰۰
۱۱۷۱۰۲۱	۳۵۰۰۰۰۰	۸۶۳۱۳	۸۰۰۰۰۰
۱۳۹۶۰۲۱	۴۰۰۰۰۰۰	۹۹۴۳۸	۸۵۰۰۰۰

رأی شماره ۱۳۷۷۷-۴-۳۰ مورخ ۱۲/۲۸ هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی

گزارش مورخ ۱۳۷۵/۵/۱۲ آقای ایوالقاسم گردانی عنوان مقام محترم معاونت درآمدهای مالیاتی حسب ارجاع آن مقام در جلسه مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۲۰ هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی مطرح است.

متن گزارش عیناً عبارتست از:

«همانطور که استحضار دارند اخیراً اغلب شرکت‌های تولید خودرو و یا مؤسسات احداث ساختمان با پیش فروش کردن اتومبیل یا ساختمان برای پیش پرداخت مشتریان سود سالیانه معادل ۲۰٪ تا ۲۴٪ و تخفیف ویژه نسبت به بهای روز منظور می‌نمایند. با عنایت به بند ۲ ماده ۱۴۵ سود یا جوايز متعلق به حسابهای پس‌انداز و سپرده‌های مختلف نزد بانکهای ایرانی از پرداخت مالیات معاف است. درصد احتسابی برای وجود پیش پرداخت فوق الاشاره برابر مقررات قانونی مشمول مالیات می‌باشد. خواهشمند است دستور فرمائید به منظور اتخاذ رویه واحد جهت وصول مالیات متعلقة موضوع در شورای عالی مالیاتی مطرح و تصمیم مقتضی اتخاذ گردد.»

هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی پس از مطالعه گزارش مذکور و شور و تبادل نظر پیرامون موضوع مطروح، در اجرای بند ۳ ماده ۲۵۵ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ بشرح زیر اعلام رأی می‌نماید: تفاوت قیمتی که تحت عنوان سود سالیانه و یا تخفیف ویژه در این قبیل معاملات بابت پیش پرداخت مشتریان منظور می‌گردد، درآمد تلقی نشده و نوعی تخفیف فروش است که از شمول مالیات بر درآمد موضوع قانون یاد شده خارج خواهد بود.

محمدعلی خوش‌اخلاق سید‌مصطفی‌حمدی **علی افرا** محمد رزاقی غلامحسن هدایت عبدی **محمدعلی بیکپور**
علی اکبر نوربخش **داریوش ال آقا** **محمدعلی سعیدزاده**

بخشنامه شماره ۱۱۹۰۸ مورخ ۱۳۷۶/۳/۲۴

چون به موجب قسمت اخیر بند ۲ تبصره ۳۴ قانون بودجه سال ۱۳۷۴ کل کشور و قسمت اخیر ماده ۸۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۷۳/۱۲/۲۸ تعقیب و اقامه دعوای علیه متخلفین نزد مراجع قضائی منوط به شکایت وزارت امور اقتصادی و دارائی است و نظر به اینکه اعتراض به جرایم موضوع ماده و تبصره یاد شده اصولاً از مصاديق اختلافات مالیاتی قابل طرح در هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی نمی‌باشند، لذا مقتضی است حوزه‌های مالیاتی در موارد اعتراض اشخاص به مطالبه جرایم موضوع، مراتب را با رعایت سلسله مراتب از طریق اداره کل مربوط جهت تعقیب و عند الاقتضاء اقامه دعوای به دفتر حقوقی وزارت متبع اعلام نمایند.

داریوش ایران بدی معاون درآمدهای مالیاتی

بخشنامه شماره ۱۵۹/۶۲۱۴ - ۳۰/۴/۱۶ مورخ ۱۳۷۶/۲/۱۶

به قرار اطلاعات و اصله، در ارتباط با وضعیت مالیاتی بنیاد علوی ابهاماتی وجود دارد و بعضی از حوزه‌های مالیاتی نسبت به اموال بنیاد مذکور که از طرف بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد مطالبه مالیات می‌نمایند، نظر به اینکه به موجب فرمان حضرت امام خمینی (ره) جهت تشکیل بنیاد مستضعفان، تمام اموال منتقل و غیر منتقل سلسله پهلوی مصادره و در قسمت اخیر ماده ۲۹ اساسنامه بنیاد مذکور مصوب ۵۹/۴/۲۱ شورای انقلاب اسلامی نیز تصریح گردیده که «بنیاد علوی و امثال آن اعتوان جدآگاهانهای خواهند داشت» و از طرفی نیز حاکم شرع دادگاه ویژه فرمان مورخ ۶۸/۶/۱۶ مقام معظم رهبری واصل ۴۹ قانون اساسی، حکم بر تعاقن کلیه اموال و املاک بنیاد علوی و موقوفات خاندان پهلوی به بنیاد مستضعفان و جانبازان صادر نموده است، لذا مؤكدأ یادآوری می‌گردد که بنیاد علوی اصولاً شخصیت حقوقی مستقل نداشته و مأمورین مالیاتی ذیربیط مکلفند نسبت به درآمدها و نقل و انتقالات اموال مصادره شده از بنیاد مورد بحث نیز حسب مورد طبق قوانین و مقررات مالیاتی حاکم بر امور مالیاتی بنیاد مستضعفان و جانبازان و با رعایت مفاد دستورالعمل شماره ۱۲۲۸۱ مورخ ۷۲/۴/۲۴ وزارتی اقدام لازم معمول دارند. داریوش ایران‌بدی معاون درآمدهای مالیاتی

بخشنامه شماره ۷۱۶۵ - ۳۰/۱۰/۱۳۷۶ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰

نظر به طرح سوالات مکرر راجع به نحوه کسر مالیات تکلیفی از پرداختهای ارزی به پیمانکاران خارجی و همچنین احتساب درآمد مشمول مالیات آنها بابت پرداختهای مذکور، بدینوسیله جهت رفع ابهام یادآور می‌شود:

همانطور که در بخشناهه وزارتی شماره ۱۳۷۱/۸/۱۷ ۳۰/۴/۹۲۰۲/۲۹۲۵۹ مورخ ۱۳۷۱/۸/۱۷ نیز آمده است، ملاک عمل برای تعسیر در اینگونه موارد نرخ برابری نوع ارزی است (مثلاً در وضعیت فعلی صادراتی یا شناور) که از طرف دولت طبق مقررات موضوعه اختصاص یافته است. در این صورت توجه خواهد داشت، هر نرخی که دستگاه اجزائی ذیربیط برای طرح یا پروژه مورد پیمان بر آن مبنای حسب مقررات قانون بودجه کل کشور یا مقررات قانونی دیگر گشايش اعتبار استنادی نزد شبکه بانکی کشور نموده، همان نرخ از حیث مالیات بر درآمد پیمانکار (در مراحل مطالبه و تصفیه حساب) و مالیات تکلیفی نیز مبنای تعسیر ارز خواهد بود. مفاد این بخشناهه به تائید هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی هم رسیده است. مرتضی محمدخان وزیر امور اقتصادی و دارائی

بخشنامه شماره ۳۰/۴/۲۴۰۵/۹۷۹۰ - ۳۰/۴/۱۱ مورخ ۷۶/۳/۱۱

پیرو بخشناهه شماره ۱۳۷۶/۱/۲۶ ۳۰/۴/۶۰۵/۲۸۱۴ چون به قرار اطلاع دفاتر مؤیدانی که به لحاظ استفاده

از ماشینهای محاسب الکترونیکی یا وسایل دیگر، روش نگاهداری حسابهای خود را تغییر داده‌اند، بعضاً در سال‌ها قبل مورد قبول حوزه‌های مالیاتی ذیربیط قرار گرفته است، لزوماً پادآوری می‌شود؛ بطور کلی در خصوص مژدهایی که تاکنون نسبت به تغییر وسایل نگاهداری حسابهای خود اقدام نموده‌اند، صرف عدم کسب موافقت وزارت متبوع موجب بی‌اعتباری یا رد دفاتر آنها نخواهد بود.

داریوش ایران بدی معاعون درآمدهای مالیاتی

رأی شماره ۱۳۶۴۳-۴-۳۰ مورخ ۷۵/۱۲/۲۶ هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی

گزارش شماره ۱۷۹۱۴/۳۹ مورخ ۱۳۷۵/۶/۳ اداره کل امور هیتهای حل اختلاف مالیاتی عنوان معنوت محترم درآمدهای مالیاتی حسب ارجاع آن مقام در جلسه مورخ ۷۵/۱۲/۲۰ هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی مطرح است. مفاد گزارش اجمالاً عبارت از اینست که:

«وراث شخص مقتولی به منظور اجرای حکم قصاص قاتلین، به موجب مقررات موضوعه ملزم به پرداخت مبلغی شده‌اند که پس از تدویج آن واجرا حکم قصاص، ورثه مقتول مدعی لزوم کسر مبلغ مذکور از دارائیهای متوفی می‌باشد. از آنجاکه ماده ۱۹ قانون مالیاتهای مستقیم در مقام تعریف اموال مشمول مالیات بر ارث، هزینه کفن و دفن و دیون محقق و واجبات عبادی و مالی متوفی را قابل کسر از ماترک شناخته، کسر پرداختی مزبور قابل تأمیل به نظر می‌رسد، اما باعنایت به حکم ماده ۲۴ قانون یاد شده که به موجب آن دیه از شمول مالیات بر ارث خارج است، شاید بتوان دیده‌ای را هم که وراث مقتول بابت قصاص قاتل پرداخت می‌نمایند، از ماترک قابل کسر دانست. النهایه مصلحت آنست که به منظور اتخاذ رویه واحد موضوع مورد رسیدگی و اظهار نظر شورای عالی مالیاتی قرار گیرد.»

هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی موضوع را مورد شور و بررسی قرار داده در اجرای بند ۳ ماده ۲۵۵ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ و اصلاحیه بعدی آن رأی خود را بشرح آنی در این باره اعلام می‌نماید:

با عنایت به اینکه در مادتین ۱۹ و ۲۴ و سایر مقررات قانون مالیاتهای مستقیم حکمی برای کسر وجوه پرداختی توسط وراث مقتول جهت قصاص قاتل یا قاتلین از ماترک مقتول پیش‌بینی نگردیده است، وجوه مذکور قابل کسر از ماترک نمی‌باشد.

محمدعلی خوش‌اخلاق سیدمحمود حمیدی علی افرا محمدزادی غلامحسن هدایت‌عبدی محمدعلی بیک پور علی‌اکبر نوربخش داریوش آل آقا محمدعلی سعیدزاده



from different points of view. He believes the time has come for revision of relevant regulations and increasing the minimum amount of corporate capital. The possible losses of third persons in case of insolvency of companies (which in most

cases are of limited-liability type) is another aspect of the issue referred to in the article. As far as the taxation problems are concerned, the readership of the journal are invited to make comments.

The texts of latest laws, regulations, and opinions of the Supreme Council of Taxation are reported in the Persian

section of the Journal. A part of the same is presented in English section under the heading "Tax News".

Several tax terms and expressions are presented and defined in each issue of *Maliyat*

Journal. Detailed explanations follow the definition of the terms.

Tax News around the World

A number of international tax news is selected and presented

to the Iranian readership.



of official deeds issued by notaries public. Various causes and reasons motivated the parties to such transactions to conclude private and unofficial agreements for the time being and leaving the official registration with notaries public to a later time.

Tax offices treat such transactions in a special way. They demand payment of taxes

on rental income for transitional period (between the dates of unofficial and official transfer of properties). The transfer tax is also imposed on the date of official registration as described above.

The author reviews this state of affairs and suggest some ways for more logical method of handling the issue.

Being Accurate in Drawing the Assessment Sheet

The author describes in a narrative language the errors that might occur in tax assessment as a result of carelessness and negligence of relevant officials. He suggests

scrutinizing documents and any kind of evidence before reaching final decision with regard to assessment of tax liabilities.

Thinly Capitalized Corporations

The Official Gazette contains in each issue many cases of establishment of new companies and institutions. A considerable number of registered companies own very

small amount of capital. In some cases the value of the paid portion of the capital does not exceed the price of say 10 to 12 kilos of banana.

The author reviews this situation

Taxation and Developments of Information Technology

Repercussions of progress in the field of information technology are already being sensed in the realm of taxation. The Internet and relationship arising thereof, are distinguished examples of such developments. Needless to say that traditional ideas and methods followed by the past, and even present, generations of taxmen would fail to cope

with the requirements of new conditions. There exists imperative needs for the tax administration to think of a viable procedure for confrontation with the consequences of the said repercussions. The issues pertaining to this subject are examined in the article.

Small Proprietors and Taxation on Rental Income

The article analyzes various difficulties connected with taxation of income from small house. Most of such houses are usually located in poor areas of cities and are jointly occupied by their tenants and landlords. Both categories are commonly

poor and needy, so the process of assessment and collection of taxes faces with plenty of problems and delayment. She (the author) comments on these issues and presents specific proposals for treatment of the situation.

Real Estate Transfer

Transfer of real estate should - according to the Law on

Registration of Deeds and Real Properties - take place on basis

the Ministry of Industry. Therefore, the circular might be taken as meaning that the word "government" in the Note 3 to Article 48, DTA comprises the ministries themselves, and the shares of the companies under discussion must be owned directly by them to be allowed to enjoy the said limitation of taxation. Otherwise, no such limitation shall be granted.



ABSTRACTS OF PERSIAN ARTICLES

Editorial

Foresightedness in the field of taxation is the theme of the Editorial in this issue of Mallyat journal. The atmosphere in which the duties of tax officials are fulfilled, is apt to swift transformation. Tax

administration should behave accordingly and prepare itself to face the forthcoming circumstances. This subject is dealt with in the Editorial of both, the Persian and English sections.

understanding of the law before construing thereof by the Parliament. So, in case of spreading the validity of the parliamentary interpretation to the date of adoption of the law, we could encounter serious problems with a wide range of actions that might have been taken in contradiction with the new interpretation.

The Council of Guardians took into consideration the probability of such contradictions and stated that the interpretation of the Parliament in respect of the

ordinary laws is executable from the very date of interpretation, and not from the date of adoption of the relevant law. It seems that the opinion of the Council of Guardians is quite circumstantial and fails to respond to the logic of the issue. To interpret a law means to discover the intention of the lawmaker. The intention of the lawmaker had existed at the time of making the law, and it is illogical to be attributed to a following date.

PUBLIC COMPANIES AND STAMP DUTY

Article 48 of the Direct Taxation ACT (DTA) provides that shares of joint-stock companies are liable to stamp duty at the rate of 0.2% of their face value. Note 3 of the same article states that the stamp duty in respect of companies whose entire capital belongs to the government shall not exceed Rls 2,000,000. According to a circular letter signed by the Vice Minister for

Revenue, the limitation of stamp duty so stipulated is pertaining solely to the companies whose shares are totally owned by the government. So, the entities owned by, or affiliated to, the Organization for Expansion and Modernization of Industries may not take benefit from the above-mentioned limitation of stamp duty. It is worth of noticing that the OEMI is an organization under

Several companies and interested parties appealed against the Ministry's circular letters to the Court of Administrative Justice. The Court decided in its Plenary Board against the opinion rendered by the Finance Ministry. It declared that the only condition in the

Article 132, DTA for applicability of exemption is the issuance of exploitation permit after the date of the amendment. So, if this condition is satisfied the exemption would apply, whether the activity of exploitation begun before or after the said date.

PARLIAMENTARY INTERPRETATION OF LAW

Iranian constitutional law provides for a special body of experts called the Council of Guardians of the Constitution. It is composed of two categories of specialists, lawyers and clergymen. They are vested with the authority to interpret the articles of the Constitution, while the competence to interpret ordinary laws is accorded to the Parliament.

A question was raised with regard to the date of enforcement of the interpretation so delivered by the Parliament. Are they executable from the date of adoption of the law, or else they are to be enforced from

the very date the interpretation has been rendered? The government (President of the country) put the question to the Council of Guardians, since the authority of the Parliament for interpretation of ordinary law is provided under the Constitution, and the answer to such question would constitute by itself a case of interpretation of the constitutional law, which has been granted to the Council of Guardians.

The President referred in his inquiry to the fact that some far-reaching actions might have been taken by the authorities according to their own

activities.

The tax exemption shall be granted to the entities for whom identity card or exploitation permit is issued as from the date of approval of the said amendment. The exemption takes place from the date of commencement of exploitation. On December 14, 1994 the Vice Minister for Revenue (Ministry of Economic Affairs and Finance) ruled in a circular letter that the exemptions under the Article 132, DTA could be enjoyed only by the entities that obtained the "permission of establishment" as from the date of approval of the amendment, namely from 27 April 1992, onwards. As mentioned above, the terms used in the Article 132 are "identity card" and "exploitation permit", and no reference has been made to the term "permission of establishment".

So, one may infer that the issuance of "identity card" was interpreted by the Finance Ministry to be a prerequisite for an entity to be established legally

and properly.

After one year (on 22 October 1995) the Ministry issued a second circular, which implied that the exemption under discussion could be extended to the entities that were established even before the date of the amendment. It was tacitly accepted in the circular that the main criterion for accrual of exemption is the issuance of exploitation permit, which when issued after the date of amendment would qualify the entity for the exemption.

In spite of that, the circular put forward another requisition. The commencement of exploitation should - according to the circular - also be from the date of the amendment onwards.

Based on this new interpretation, a particular category of entities were also deprived from the exemption. Those were the establishments that began the activity of exploitation before April 1992, but obtained official exploitation permit after that date.

INTERNATIONAL TRAFFIC AGREEMENT

The parliament approved an agreement concluded recently between Iran and the Republic of Azerbaijan. The Agreement Covers various aspects of road transportation between two countries, including the tax issues arising from such mutual activities. According to Article 7 of the Agreement, the vehicles registered in the territory of each of the contracting states, shall be exempted from any taxes in the territory of the other contracting state, with regard to their ownership, use and operation. The exemption shall be granted only in cases of temporary entrance and transportation of vehicles.

As far as the customs issues are concerned, the vehicles shall be treated according to the internal laws of the contracting states with regard to such temporary entrances. Any fuels existing in the standard tank of vehicle shall be exempted from taxes and duties, provided that the fuel tank being installed by the factory which produced the vehicle. The spare parts temporarily imported for repair of the vehicle, are also exempted from taxation. The same is true with regard to used personal effects and repairing tools, as usually kept by the personnel of vehicles during such transportations.

TAX EXEMPTION OF MANUFACTURING AND MINING ACTIVITIES

Article 132 of the Direct Taxation Act (DTA), as amended on 27 April 1992, provides tax holiday of 8, 6 and 4 years (based

on priorities drawn by the relevant organizations) for the entities engaged in manufacturing and mining

TAXPAYERS IGNORANT OF THEIR RIGHTS

A particular feature of taxpayers' rights has drawn the attention of the tax administration, and caused the Ministry of Economic Affairs and Finance to issue a special circular in this regard. The circular takes into view a situation where the taxpayer forgets or is unaware of his/her right to protest against the ex-officio assessment of their taxes made by tax officials, or to appeal in defiance of a verdict rendered at lower stages of proceedings.

In the circular, reference has been in particular made to the Article 216 of the Direct Taxation Act (DTA). The Article provides that the Board of settlement of Tax Disputes (BSTD) is vested with the authority to review and decide on complaints filed by taxpayers in respect of execution of tax decisions. If the complaint is to the effect that the execution process have been taken place

before finalization of tax through the relevant procedural channels, then the BSTD shall take, in case of finding the complaint as justified, proper actions for reviewing the substance of the issue as an organ for settlement of disputes between the taxpayers and tax offices.

The circular orders the BSTDs reviewing such complaints, to expressly mention at the end of their verdicts, that it is appealable, during a period of one month from the date of notification thereof, to an appellate BSTD in accordance with the Article 247, DTA. If the BSTD would consider the case in capacity of an appellate organ, then it should also mention in its verdict that the parties to the dispute may refer the case to the Supreme Council of Taxation on the basis of considerations stipulated under the Article 251 of the same law.

COLLECTION OF TAXES ON TRANSFER OF SECOND HAND VEHICLES

The regulations concerning taxation of automobiles and similar vehicles are contained in the Law on Collection of Indirect Taxes from Certain Goods and Services. The Note 4 to Article 9 of the said law states that the method of collection of taxes on transfer of second hand automotive vehicles shall be provided under separate regulations to be adopted by the Council of Ministers.

The Council approved a special by-law recently, which involved an innovation in the field of tax collection. The taxpayers willing to enter into transactions with regard to their second hand cars and similar vehicles are allowed to pay relevant taxes through the banking facilities. The Finance Ministry shall, under the by-law, furnish the banks with printed forms of receipt or vouchers designed for this purpose. Then the taxpayer shall pay his/her tax liability to the bank against such

receipts or tickets. A copy of the receipt should be delivered, by the seller of the vehicle, to the notary public who is responsible for registration of the transaction.

The bank issuing the voucher has to record number and other specifications of the vehicle on the voucher and perforate it, before delivering it to the taxpayer. The notaries public are also required to keep always their own copies of vouchers ready for investigation by tax officials, otherwise they shall be subject to certain fines.

The branches of traffic police that are responsible for registration of vehicles and their owners according to their own regulations, have - under the by-law - to demand the parties to the transaction to present their relevant tax vouchers, before registering the transfer of the vehicles in their records.

stipulated under the Civil Employment Law. It is a floating figure, in the sense that the council of ministers may alter it from time to time to adjust the level of salaries with the goal of ameliorating the effects of inflation.

So, The new initiation would make the tax threshold floating as well, since the amendment provides that the threshold in question shall always be sixty times of civil servants' base salary. Whereas the base salary is to be calculated by multiplying the Base Number by the Coefficient, and the Coefficient is a floating figure, so the salary tax threshold also becomes a floating amount, and would give the salary receivers an extra compensation against impacts of inflation.

At the present, the Coefficient is Rls 160, which gives- when multiplied by the Base Number, namely the figure 400 - a Base salary of Rls 64000. Sixty times of the latter, constitutes the threshold for calculation of annual

salary tax according to the amendment referred to above.

As we mentioned earlier, the new amendment covers all classes of salaried people. Therefore, the white collar employees whether of public or private sectors, as well as the working people will equally take benefit from the said amount of salary tax threshold and potential future adjustments as described above. The following table shows summaryly the amount of monthly salaries and payable taxes accruing to them under the new amendment.

Monthly salary	Payable tax
Rls	Rls
320,000	0
330,000	900
400,000	7200
500,000	20550
600,000	37813
700,000	60063
800,000	86313
900,000	112563
1,000,000	138813
2,000,000	516188
3,000,000	946021
4,000,000	1396021

Tax News

SALARY TAX THRESHOLD MADE FLOATING

The Section three of chapter 3 of the Iranian Direct Taxation Act (DTA) comprises regulations concerning the tax on salary income. A threshold, namely a level of income at which tax commences to be levied, is provided under the Article 84, DTA and the Note thereto. The threshold used to be an annual income of Rls 1,800,000 for the employees of private sector and Rls 2,160,000 with regard to the salary receivers of the governmental organizations and agencies.

The said Article 84 and its Note were amended recently with the aim of raising the level of threshold and equalizing the situation of

the categories of salary receivers, whether they work for the public or private sectors, and whether they are workers or are relating to the class of salaried employees. The amendment includes, *inter alia*, a considerable increase in the amount of threshold, which shall be calculated according to the following formula:

There is a law titled the "Law concerning Harmonized System of Civil Servants' Salaries" approved in the year 1991. It provides for a base number that should be multiplied by a coefficient for determination of the base salary of governmental employees. The coefficient is

The foresightedness in the area of taxation requires the prediction of changes that may take place in basic elements and characteristics of a country's economy for about a decade. Emphasis should obviously be made on tax aspects of the issue under consideration.

What alterations will occur in the shape of transactions and economic activities, and what new phenomena are going to appear in this arena? This general question may naturally include vast issues and problems. Subjects like the changes in individual and group tastes and tendencies of consumers, developments in the scene of international trade, growth of population, diversity or balance between the rates of growth of different sections of the economy, advancement of science and technology, and many other themes and topics are involved, the details of which are beyond our brief discussion.

Subsequent to such significant step, comes the turn of planning for efficient confrontation with new conditions in the future. This will also be an extensive task. Form, substance, organization and procedure, all must be reviewed according to the requirements of new circumstances, and restructured in case of necessity.

Instead of this comprehensive and all-embracing approach, we may choose to take action in the field of more specific trends and developments of our time. One can take the example of evolution of information technology and its negative and positive impacts on the efficiency of tax administration under the current tax system of the country. The study will help the officials to take proper actions for adaptation to the new environment of modern life.

Dr. Aliakbar Arabmazar



IN THE NAME OF ALLAH

FROM THE PRESIDENT

Dealing with day-to-day problems may deviate people from cogitation about the future and preparation for confronting the prospective circumstances. Societies may also behave like men by immersion in current dilemmas and neglecting the importance of forthcoming conditions. The same approach might become true in respect of tax issues, so that the bulk of resources of the tax administration be devoted to the solving of actual problems, and thinking about future be left to those coming hereafter.

Foresightedness in this field could be interpreted in a limited way, that is to confine it to forecasting some figures in the framework of financial needs of the government during a certain period of time (say four or five years). No doubt that this also might be considered as a way of looking forward, but the prudence we have in mind goes further from the restricted sphere of figures and numbers. It comprises the substance and subject-matter of taxation. We mean planning for future by virtue of all elements and factors effecting the performance of the tax system.

In other words, we have to foresee the future atmosphere in which the tax officials have to accomplish their duties, in order to prepare themselves for acting according to the new scenario. The job obviously is not easy, and it is much more complicated than forecasting few figures as the share of tax revenue in forthcoming expenditures of the government.